

آموزش فا در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۰۷

لی هنگجی، ۷ آوریل ۲۰۰۷، منهتن

عصر بخیر! (تشویق) شما سخت کار کرده‌اید! (تشویق)

کنفرانس فا گردهمایی باشکوه مریدان دافا است، و برخی از شما حضار هزاران مایل سفر کرده‌اید تا از طریق شرکت در کنفرانس فا، شکاف‌ها و نقطه‌ضعف‌های تان را شناسایی کرده، و بدین طریق عقب‌افتادگی در خصوص آن مسائل را جبران کنید. تزکیه‌ی شخصی و رشد و پیشرفت مریدان دافا و همچنین رسیدن مریدان دافا به کمال، دیگر موضوع نیست. هم‌اکنون، چیز مهمی که باید به آن توجه شود این موضوع است که چگونه موجودات ذی‌شعور بیش‌تری را نجات داد، و این چیزی است که مریدان دافا باید در طول روند جاری رسیدن به کمال به‌انجام برسانند. این مأموریت مریدان دافا است، این وظیفه‌ای است که نمی‌توان از آن شانه خالی کرد، کاری که باید انجام دهند و باید کامل کنند.

بسیاری از پیش‌گویی‌ها در گذشته گفتند که در طی دوره‌ی خاصی تعداد عظیمی از مردم از بین خواهند رفت و فقط تعداد بسیار کمی از افراد خوب زنده خواهند ماند. مدت‌ها پیش، یک‌بار خودم گفتم، "من فقط افراد خودم را می‌خواهم." در غرب، بسیاری از افسانه‌ها و کتاب مقدس شرح داده‌اند که در روز رستاخیز فقط درصد کمی از افراد جان‌به‌در خواهند برد. در اوایل وضعیت این‌طور بود که مردم دنیا، شامل تمامی موجودات ذی‌شعور در سه‌قلمرو، از عناصری متعلق به داخل سه‌قلمرو ساخته شده بودند. عناصر مادی درون سه‌قلمرو از آن‌هایی که در آسمان‌ها قرار دارند کاملاً متفاوت است، بنابراین چنین موجوداتی نمی‌توانستند به آسمان‌ها صعود کنند و می‌توانستند فقط در این سطح بمانند. اما بعدها این وضعیت، متناسب با تغییرات پیوسته در حال هویدا شدن در تاریخ و تمام مسیر تا دوره‌های امروزه، دست‌خوش تغییرات عظیمی شد.

قبلاً به تفصیل در این زمینه شرح داده‌ام - بسیاری از موجودات سطح بالا به دنیای بشری آمدند و به‌صورت موجودات بشری بازپیدا شدند. به عبارت دیگر، درخصوص ظاهر بیرونی، شبیه انسان بودند و ساختاری بشری داشتند. اما با این حال، در سطحی بنیادین، درون مواد دنیای ذره‌بینی در سطحی‌ترین ماده‌ی دنیای بشری، یا آن‌سوی ماده‌ی سطحی بشری، آن‌ها از ورای سه‌قلمرو بودند. بسیاری از بدن‌های بشری - همان‌طور که یک نفر یک تکه لباس می‌پوشد - توسط خدایانی که از سطوح بالاتر به دنیا پایین آمدند پوشیده شدند؛ بنابراین آن‌ها شبیه انسان به‌نظر می‌رسند، اما اساساً موجوداتی از سطوح بالاتر هستند. البته بدون توجه به این که چه کسی می‌آید و بدون توجه به این که این موجودات یا خدایان از چه سطح بالایی می‌آیند، یک‌بار که به دنیای بشری بیایند وارد اجتماع توهم شده و فاقد هر گونه شناختی هستند. به بیانی دیگر، پس از آن دیگر خدا نیستند، بلکه موجودات بشری هستند. تحت چنین شرایطی، بدون توجه به این که از چه سطح بالایی آمدند، جنبه‌ی خدایی‌شان قادر نیست نمایان شود و خردشان مهر و موم می‌شود، آن‌ها را فقط شبیه موجودات بشری می‌کند. زمانی که جامعه به‌خوبی عمل می‌کند، آن‌ها به‌صورت یک کل می‌توانند معیار اخلاقی خاصی را که با وضعیت کلی جامعه سازگار است نگه دارند، و در این حالت، آینده‌ی چنان وحشتناکی برای انسان‌ها یا موجودات دیگر نخواهد بود. اما اگر اخلاقیات جامعه به سرعت سقوط کند یا اگر نیروهای کهن عمده‌اً اجتماع بشری را به پایین بلغزانند، آن‌گاه این چیزی بی‌نهایت وحشتناک برای تمامی موجودات است، شامل خدایانی از سطوح بالا که پایین آمدند تا موجودات بشری شوند.

درواقع، در جامعه‌ی چینی امروزه، ارزش‌های اخلاقی مردم، از حالتی که در گذشته خدایان به‌عنوان الزاماتی برای بشر مقرر نمودند، زمانی که در ابتدا انسان را خلق کردند، بسیار فاصله گرفته است. به عبارت دیگر، وضعیتی که مردم در آن هستند دیگر وضعیت انسانی نیست. به‌طور ناخوشایندی بیان کنیم، آن‌ها دیگر ارزش انسان بودن را ندارند. در صورت نبود این تعهد اصلاح‌فا، آن‌ها در گذشته نبود می‌شدند. در طی تاریخ، بشر از میان فاجعه‌ای پس از فاجعه‌ای دیگر گذر کرده و بارها نابود شده است. چیزها به همین شکل برای عالم بزرگ‌تر عمل می‌کند، چیزی شبیه روند سوخت و ساز بدن بشری دارد: وقتی سلول‌ها رشد کرده و فرتوت می‌شوند و دیگر قوی نیستند، دور انداخته می‌شوند و سلول‌های خوب از نو ساخته می‌شوند. در مناطق مختلفی از عالم بزرگ‌تر، این‌طور نیست که این رخداد فقط به‌دفعات روی دهد، بلکه در واقع به‌طور پیوسته روی می‌دهد- و این کاملاً طبیعی است. پس درخصوص یک موجود بشری، حیات او در پایین‌ترین سطح است؛ و به‌عنوان مخلوقی در پایین‌ترین سطح، مهم نیست یک شخص فکر می‌کند او چه‌قدر باشکوه است، در چشمان خدایان چیزی به حساب نمی‌آید و وقتی خوب نباشد از بین برده خواهد شد. به‌خاطر این که امروز اصلاح‌فا و نجات تمامی موجودات ذی‌شعور در کیهان در حال روی دادن می‌باشد است که موجودات بشری منحط از بین نرفته‌اند. به‌خاطر این که وضعیت بشریت دست‌خوش تغییرات خاصی شده و نیز مریدان دافا نیاز دارند تقوای عظیم خود را از طریق این رخداد بنیان نهند است که بشریت اجازه یافته زنده بماند و ادامه دهد. به‌عنوان مریدان دافا، اگر در حال حاضر نتوانید آن را به‌انجام رسانده و موجودات را نجات دهید، آن‌گاه نتوانسته‌اید عهدهایی را که یک‌بار بستید به‌انجام برسانید و برای کل اصلاح‌فا، کیهان و موجودات ذی‌شعور فاجعه به‌بار خواهید آورد. این دلیل آن است که چرا هم‌اکنون گفتم این چیزی است که مریدان دافا باید به‌خوبی انجام دهند.

حال که موضوع صحبت این است بگذارید درباره‌ی سه‌قلمرو بیش‌تر بگویم. علی‌رغم وضعیت فعلی جامعه‌ی بشری؛ علی‌رغم این که چگونه موجودات در سه‌قلمرو خودشان را خیلی مهم در نظر می‌گیرند؛ این که مردم فکر می‌کنند در اجتماع چه‌قدر پیشرفته، ماهر، قدرتمند و ثروتمند هستند؛ یا این که هر ملیت، حکومت و هر شخص به‌اصطلاح ماهری فکر می‌کند چه‌قدر واقعاً مهم است- می‌توانم به شما بگویم، امروز هر چیزی از بشریت، شامل هر چیزی که در تاریخ به‌وقوع پیوسته و ظهور سه‌قلمرو، برای اصلاح‌فا وجود دارند. به‌عبارت دیگر، هر چیزی برای این اصلاح‌فا خلق شد، هر چیزی برای این اصلاح‌فا این‌جا آمد و هر چیزی در این روند برای این اصلاح‌فا بنیان گذاشته شد. هر چیزی از بشریت- شامل زندگی، ماده، هر چیزی که شخص می‌تواند به آن پی ببرد، درک کند و به درکی از آن برسد- برای این رویداد اصلاح‌فا وجود دارد، در غیر این صورت به‌هیچ وجه به‌وجود نمی‌آمدند.

به شکلی دیگر بیان کنیم، سه‌قلمرو خلق شد به‌طوری که درنهایت تمامی موجودات در کیهان بتوانند در طی اصلاح‌فا نجات یابند و مریدان دافا بتوانند بدین‌طریق موفق شوند. در غیر این صورت سه‌قلمرو وجود نمی‌داشت. اجتماع بشری چیزی جز ذره‌ای درون سه‌قلمرو نیست- اجتماعی که بر روی ذره‌ای ناچیز وجود دارد، چیزی بی‌اهمیت‌تر از آن که بتوان ذکر کرد- و مهم نیست موجودات بشری داخل آن چه‌قدر امورشان را باشکوه در نظر می‌گیرند، مهم نیست انسان‌ها فکر می‌کنند امور بشریت چه‌قدر مهم هستند، مهم نیست انسان‌ها دستاوردهای بشریت را چه‌قدر باشکوه در نظر می‌گیرند و مهم نیست چگونه بشریت توسعه یافته است، تمامی این‌ها نظراتی هستند که موجودات بشری از طریق نگاه کردن به مسائل از نقطه‌نظر یک انسان به آن‌ها رسیده‌اند. وقتی مردم درحالی که در وضعیت توهم هستند فکر می‌کنند اجتماع بشری قابل‌توجه است، آن نتیجه‌ی این است که وضعیت حقیقی را نمی‌دانند. موجودات بشری می‌توانند هر چه که مایل باشند [درباره‌ی خودشان] بگویند، اما این آن‌طوری نیست که خدایان به آن‌ها می‌نگرند. یک‌بار که تمامی موجودات از هدف واقعی زندگی بشری و محیطی که موجودات بشری در آن زندگی می‌کنند آگاه شوند، به این درک می‌رسند که "توسعه‌ی" بشریت چیزی بیش از روندی از ساختن و پرورش دادن آن نبوده و درحالی که ورود رویداد بزرگ پایانی انتظار کشیده می‌شده، وضعیت اجتماع بشری نگه داشته می‌شده است. تمامی چیزها چیزی بیش از نمودهای خاصی در روند نگه داشتن حالت بودن بشریت نبوده و هدف واقعی، منتظر این مرحله‌ی آخر بودن بوده است- ورود خدایان و شروع اصلاح‌فا.

آموزش فا را از سال ۱۹۹۲ آغاز کردم. در گذشته مریدان دافا به‌طور پیوسته فا را ترویج می‌دادند و اکنون، مریدان دافا درحالی که دست‌خوش آزار و شکنجه می‌شوند، در مقیاسی جهانی درحال نجات تمامی موجودات هستند. و مردم دنیا که مریدان دافا درحال نجات آن‌ها هستند در زمان‌های اخیر دست‌خوش تغییراتی شده‌اند. آن‌چه که بشریت به انتظار آن بوده و آن‌چه که پیامبران پیش‌گویی کردند درحال روی دادن هستند. افراد سرگشته و سردرگمی که توسط منافع مادی، ظواهر کاذب و دروغ‌ها سوق داده می‌شوند، به خود اجازه نمی‌دهند باور بیاورند که هر چیزی در مرحله‌ی پایانی واقعاً شروع شده و درحال انجام است. به‌نظر می‌رسد اجتماع بشری هنوز مطابق معمول به کار خود ادامه می‌دهد و هر چیزی به‌طور هموار، پایدار و معمول کار می‌کند. اما درحقیقت هر چیزی برای خاطر اصلاح فا درحال عمل کردن می‌باشد. وقتی خدایان وارد این‌جا می‌شوند، نمایش بزرگی از آن را به‌اجرا نمی‌گذارند یا نمایش کیهانی بزرگی را نشان دهند- "من وارد شده‌ام، به هر چیزی که می‌گویم گوش کنید و من همگی شما را بدون قید و شرط به آسمان‌ها خواهم برد." هرگز این روی نخواهد داد. موجودات بشری مجبورند تاوان تمامی گناهانی را که درطول تاریخ مرتکب شدند بپردازند. این‌که آیا آنان ارزش دیدن خدایان را داشته باشند به آن سادگی که انسان‌ها تصور می‌کنند نیست. این‌که آیا موجودات بشری ارزش به‌دست آوردن فا و صعود به آسمان‌ها را دارند چیزی است که باید درحالی که در توهم هستند، درخصوص آن، مورد آزمایش قرار گیرند و بنابراین خدایان قرار نیست خودشان را به آن شیوه آشکار کنند. وقتی خدایان خود را در اجتماع بشری متجلی می‌کنند، بسیار شبیه موجودات بشری به‌نظر می‌رسند، اما آن‌چه که می‌گویند حقیقت است. موضوع این است که آیا سطح پایه‌ی اخلاقیات انسانی و ارزش‌های اخلاقی به مردم اجازه می‌دهد هنوز [آن خدا] را تشخیص دهند و آیا آن‌ها می‌توانند با ابتدایی‌ترین معیارهای اخلاقی که کیهان برای بشریت مقرر کرده هنوز تشخیص دهند- یعنی، معیار اخلاقی غایبی مردم تعیین می‌کند که آیا آن‌ها می‌توانند این فا را که آمده تا تمامی موجودات را نجات دهد تشخیص دهند. اگر بتوانید آن را تشخیص دهید، پس شما رهایی و نجات خواهید یافت. اگر قادر نباشید آن را تشخیص دهید، آن‌گاه ورای نجات یافتن خواهید بود و نمی‌توانید ننگه داشته شوید. و این نتیجه‌ی سقوط سطح پایه‌ی اخلاقیات است؛ بدون اخلاقیات، یک شخص، دیگر با معیار بشر بودن مطابق نیست. از زمان‌های قدیم تا حال حاضر، در شرق یا غرب، مردم همیشه بر اخلاقیات انسانی تأکید داشته‌اند. اما در زمان‌های معاصر، چه تعدادی از افراد واقعاً به آن ارزش می‌گذارند؟ در انتها، در طی زمانی که خدایان قرار است مردم را نجات دهند، گرچه میزان اخلاقیات شخص به‌طور مستقیم مورد توجه قرار داده نمی‌شود، اما انحطاط اخلاقیات خود شما منجر به سقوط سطح پایه شده و این چیزی است که باعث شده نتوانید با فا تشخیص دهید و آن را به‌جا بیاورید. آیا علت این‌که چرا نمی‌توانید رهایی و نجات یابید این نیست؟

در گذشته، اجتماع بشری همیشه حالتی را ننگه داشت که در آن ارزش‌های اخلاقی کاملاً جدی در نظر گرفته می‌شد. در زمان‌های اخیر، مردم در نظر گرفته شدند که فا را به‌دست بیاورند و رهایی و نجات یابند. اما نیروهای کهن اجازه نمی‌دادند آن تعداد زیادی از مردم نجات یابند و خواهان این بودند که قسمتی از نژاد بشری را از بین ببرند. بنابراین آن‌ها حزب کمونیست بدنهاد را برای اجتماع بشری به‌وجود آوردند و قابل‌ملاحظه‌تر این‌که ح‌ک‌چ بدنهاد کارهای زیادی انجام داده تا اخلاقیات بشری را تباه کند و فرهنگ حزب را خلق کرد، همین‌طور روش‌های تفکر مردم را تغییر داد، با این هدف که تمام این‌ها باشد تا هنگامی که زمان آن فرا رسید مردم را از به‌دست آوردن فا باز دارد. آن‌گاه افکار و عقاید تغییر داده شده، به مسائل، با ذهنیت القا شده توسط فرهنگ حزب بدنهاد می‌نگرد. به‌طور کامل کنار گذاشتن تفکر بشری و فرهنگ بشری، [همان‌طور که حزب باعث شده مردم چنین کنند] به منزله‌ی موجودی منحرف شدن و قرار گرفتن در بین قسمتی از آن‌هایی که باید از بین بروند است. پنج هزار سال فرهنگ چینی، بنیانی را برای فرهنگ، روش‌های تفکر و شیوه‌های رفتار تمامی بشریت بنا نهاد و این خدایان بودند که به‌طور سازمان‌یافته‌ای تمامی این‌ها را خلق کردند. با این حال، آن توسط حزبی بدنهاد که توسط نیروهای کهن پشتیبانی شده، نابود و تباه شده است. در طول دوره‌ی کوتاه این چند دهه، آن به‌طور پیوسته فرهنگ باستان چین را نفی کرده و تمدن باستان چین را لگدمال کرده است. خدایان، ایده‌ها، اخلاقیات و تمدن را به موجودات بشری عرضه کردند تا موجودات بشری بتوانند در مرحله‌ی پایانی از این‌ها استفاده کرده تا درست و اشتباه را از هم تشخیص داده، فا را درک کنند و نجات یابند. ح‌ک‌چ بدنهاد نه‌تنها به‌طور سازمان‌یافته و از روی عمد درحال

خراب کردن تمامی این‌ها است، بلکه به‌طور سازمان‌یافته و از روی عمد درحال القا کردن فرهنگ بدنهاد حزب در مردم نیز می‌باشد. آن را "آموزش مردم" و "اصلاح مردم" می‌نامد- آن‌ها آن را در اصطلاحات شفافی قرار می‌دهند- و باعث می‌شوند حتی جهان‌بینی‌تان را تغییر دهید، تغییری که شما را به سمتی می‌برد که از رفتار، روش تفکر و ذهنیت به‌وجود آمده توسط ح‌ک‌چ بدنهاد پیروی کنید. وقتی مردم چینی با جهان‌بینی القا شده توسط حزب بدنهاد به چیزها می‌نگرند، درحالی که بدین شیوه "اصلاح" شده‌اند، واقعاً برای آن‌ها سخت است در این دنیای بشری، درست را از اشتباه و خوب را از بد تمیز دهند، یا فا و حقیقت را تشخیص دهند. مردمان مسن‌تر و افرادی از نسل‌های قدیمی‌تر، توسط فرهنگ بشری باستان آموزش دیده و شکل گرفتند، [دوره‌ی] پیش از ظهور فرهنگ ح‌ک‌چ بدنهاد. گرچه چیزهای ح‌ک‌چ بدنهاد در دوره‌های اخیر پدید آمدند، اما سطح پایه‌ی اخلاقی آن افراد تا امروز دست‌نخورده باقی مانده است و می‌توانند در سطحی ابتدایی خوب و بد را از هم تمیز دهند. تأسف‌بارتر از همه، جوان‌های معاصر هستند که نظرات ح‌ک‌چ بدنهاد در سرشان کاملاً جای‌گرفته است و با این حال، این اشخاص فکر می‌کنند که باشکوهند و می‌توانند به همه چیز پی ببرند. به اشتباه فکر می‌کنند وضعیت آشفته‌ی روابط، سیستم‌های ارزش و روابط اخلاقی مردم- که خود این‌ها نتیجه‌ای است از این که ح‌ک‌چ تعمداً این چیزها را تباه کرده- چیزی است که بشریت در طول تاریخ همواره این‌گونه بوده و فکر می‌کنند این غریزه‌ی بشری است که این‌گونه عمل می‌کند. به‌علاوه، تئوری ارتدادآمیز تکامل وجود دارد که به موجب آن خودشان را حیوان در نظر می‌گیرند، بی‌خبر از این حقیقت که این در نتیجه‌ی اعمال تعمدی ح‌ک‌چ روی داده است. مردم چیزی را که بشریت به انتظار آن بوده و منظور واقعی انسان بودن را فراموش کرده‌اند، اما روح شیطانی حزب بدنهاد از این چیزها آگاه است و از این رو تعمداً موجودات بشری را تباه کرده است. آن جهالت بی‌ارزش معاصرگونه به‌طور کامل آن‌ها را از تشخیص حقیقت کیهان باز داشته و این دورنمایی وحشتناک برای این نسل است.

البته این درخصوص اصلاح فا و نجات تمامی موجودات است و آیا خدایان قادر مطلق نیستند؟ و آیا فای بودا بی‌کران نیست؟ قطعاً [همین‌طور است]، در روند نجات موجودات، قدرت بی‌کران فای دافا به‌طور کامل درحال متجلی شدن است. وقتی دافا در ابتدا منتشر می‌شد در ظاهر چیزی بیان کردم: گفتم که درب برای همگی که نجات یابند به‌طور وسیعی باز است- آن قدر باز که دیگر دری وجود ندارد. هیچ اشتباه مرتکب شده توسط موجودات ذی‌شعور در طول تاریخ علیه آنان به‌کار نمی‌رفت، چراکه موجودات از تمامی نوع‌ها و گونه‌ها در سطوح مختلف، دیگر خوب نیستند و حتی یک سطح هم دیگر مطابق استاندارد آن سطح نیست. این‌طور نیست که بگوییم آن‌هایی که در سطح بالا هستند دیگر مطابق با استاندارد سطح پایین نیستند. بلکه، یک موجود خدایی باید مطابق استاندارد سطحی باشد که موجود خدایی در آن است- این عملی نخواهد بود اگر فقط مطابق استاندارد یک موجود بشری باشید. اگر فقط مطابق استاندارد یک موجود بشری باشید، آن‌گاه یک موجود بشری هستید. به‌عبارت دیگر، موجودات در هر سطحی، دیگر مطابق استانداردهای سطح‌شان نیستند و این شامل مطابق استاندارد بشر نبودن موجودات بشری نیز می‌شود. پس در این مرحله، می‌توان چه کار کرد که موجودات ذی‌شعور را نجات داد؟

همگی می‌دانید که موجودات خوب و بد هر دو در کیهان وجود دارند. جایی که بوداها هستند، اهریمن‌ها نیز هستند. جایی که خدایان مثبت هستند، خدایان منفی هم هستند. آن‌ها متضاد یک‌دیگرند زیرا پیامدهای اجتناب‌ناپذیر کیهان هستند. آن‌گاه اگر کسی بخواهد تمامی موجودات را نجات دهد، فقط یک راه وجود دارد، یعنی از تمامی اشتباهاتی که تمامی موجودات درحالی که زندگی‌شان را می‌گذرانند مرتکب شدند، چشم‌پوشی کرد. آن‌ها فقط پس از کنار گذاشتن اشتباهاتی که تمامی موجودات در تاریخ مرتکب شدند می‌توانند نجات یابند. به بیانی دیگر، کل کیهان، دیگر خوب نیست، بنابراین چه معنی دارد دنبال این بود که چه کسی کمی بهتر از چه کسی است؟ حتی اگر کسی کمی بهتر از دیگران بود، هنوز هم نمی‌توانست مطابق استاندارد تعیین شده توسط کیهان باشد، بنابراین در روند نجات آنان، چنین چیزهایی کلاً در نظر گرفته نمی‌شوند. پس به چه چیزی نگریسته می‌شود؟ تمرکز بر این است که آیا وقتی به شخصی نجات عرضه می‌شود، قادر است این فا را که این‌جا است تا او را نجات دهد تشخیص دهد! به‌خاطر این‌که هر چیزی از آینده توسط این فا خلق می‌شود، موجودات در آینده در محیط زندگی‌ای که این فا برای آن‌ها فراهم می‌کند وجود خواهند

داشت. هر کسی قادر باشد با موفقیت وارد آینده شود، فقط پس از این که توسط این فا پاک شده و جذب فا شده، چنین کرده است. اگر حتی نتوانید این فا را تشخیص دهید، پس البته نمی‌توانید بدانید. اگر قرار باشد بدانید کجا خواهید رفت؟ کیهان آینده توسط این فا خلق می‌شود، بنابراین جایی برای شما نخواهد بود و شما دیگر وجود نخواهید داشت.

واضح‌تر بیان کنیم، درحال حاضر در طی اصلاح فا، بدون توجه به این که موجودات ذی‌شعور گناہانی به چه بزرگی مرتکب شده‌اند یا اشتباهاتی که در گذشته مرتکب شدند چه قدر سنگین است، به تنها چیزی که نگریده می‌شود نگرشی است که آن‌ها نسبت به دافا و مریدان دافا درطول اصلاح فا دارند. فقط این خط فاصل وجود دارد. درواقع، این خط، در کل خط نیست؛ فقط درخصوص این است که آیا شما می‌خواهید وارد آینده شوید. در بین دروغ‌هایی که دنیا را فریب داده است و در بین فرهنگ بدنهاد ساخته شده توسط ح‌کچ شیطان، چند نفر از مردم هنوز می‌توانند این نکته را تشخیص دهند؟ چند نفر از مردم می‌توانند درست را از اشتباه تمیز دهند؟ چند نفر از مردم می‌توانند شرارت ح‌کچ شیطان را به‌طور واضح ببینند؟ کار بسیار سختی است و این دلیل آن است که چرا مریدان دافا حقایق را آشکار می‌کنند، شیطان را افشا می‌کنند و به مردم کمک می‌کنند ماهیت ح‌کچ بدنهاد را ببینند. فقط با انجام این کارها مردم دنیا می‌توانند نجات یابند. این دقیقاً کاری است که مریدان دافا باید انجام دهند.

برخی از مردم می‌گویند، "وقتی شما افراد درحال ترویج نه شرح و تفسیر هستید یا ح‌کچ شیطان را افشا می‌کنید، آیا درحال درگیر شدن در امور سیاسی نیستید؟" بسیار خوب، "امور سیاسی چیست؟ در ذهن غربی‌ها، تمامی کارهایی که در گستره‌ی عمومی انجام می‌شود، به‌استثنای فعالیت‌های مذهبی، امور سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. در سراسر دنیا واژه‌ی "امور سیاسی" این‌گونه معنی می‌شود. فعالیت‌های مذهبی قسمتی از فعالیت‌های شخص در اجتماع است. از فعالیت‌های در گستره‌ی عمومی، به‌جز آن نوع، یعنی فعالیت‌های مذهبی، هر چیزی به مجموعه‌ی فعالیت‌های سیاسی تعلق دارد. پس چه چیزی فعالیت سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود؟ وقتی در خانه هستید و آشپزی می‌کنید و به امور منزل می‌پردازید، امور سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود. اما به محض این که فعالیت‌های تان با اجتماع آمیخته شود، آن‌ها امور سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. این صحبتی از نقطه‌نظر جامعه‌ای آزاد است. اما حتی اگر از نقطه‌نظر منحرف شکل داده شده توسط ح‌کچ بدنهاد به "امور سیاسی" نگریده شود، هنوز هم چیز عمده‌ای نیست. آن نسخه‌ی تحریف شده‌ی "امور سیاسی" چوبی است که برای حمله به مردم استفاده می‌شود. اگر مردم بتوانند از طریق سیاست نجات داده شوند، آن‌گاه ما می‌توانیم از آن شکل استفاده کنیم - چه اشتباهی در آن خواهد بود؟ لحظه‌ای پیش گفتم هر چیزی در سه‌قلمرو برای دافا خلق شد، برای دافا توسعه یافت و برای دافا آمد. بدون این اصلاح فا هیچ چیزی از بشریت وجود نمی‌داشت. پس به شیوه‌ای دیگر ببیندیم، این را در نظر بگیرید: آیا تمامی این‌ها برای دافا فراهم نشد؟ آیا تمامی این چیزها برای این نیست که برای نجات مردم استفاده شود؟ آیا آن‌ها برای این نیستند که برای تزکیه‌ی مریدان دافا استفاده شوند؟ مطمئناً برای همین‌ها است! فقط موضوع این است که من، لی هنگجی، چه چیزی را برای مریدان دافا انتخاب می‌کنم.

از زاویه‌ای دیگر صحبت کنیم، چگونگی تزکیه‌ی مریدان دافا از هر روش تزکیه‌ای در تاریخ متفاوت است. در نتیجه، تفکر بسیاری از افراد قادر نیست [با وقایع] پیش برود و آن‌ها احساس گیجی می‌کنند، چراکه درحال استفاده از روش تفکری هستند که ح‌کچ بدنهاد در آن‌ها ایجاد کرده تا به این نگاه کنند که گذشته و حال چگونه به هم‌دیگر وابسته هستند و تزکیه‌ای را که مریدان دافا انجام می‌دهند از نقطه‌نظر تزکیه‌ی مذهبی گذشته تفسیر کنند. چنین افرادی فکر می‌کنند که برای موجودات بشری این‌گونه در نظر گرفته شده که [به شیوه‌ی] تزکیه‌ی گذشته تزکیه کنند و این که شیوه‌های گذشته‌ی ایمان می‌توانستند مردم را به‌طور واقعی قادر کنند به آسمان برگردند. اما مردم به هر صورت قادر نبودند به آسمان برگردند. اکنون افراد بیش‌تر و بیش‌تری، شامل افرادی در اجتماع غربی، پی‌برده‌اند و عمیق‌تر فهمیده‌اند که موجودات بشری باز پیدا می‌شوند. از زمانی که شخصی به این مکان بشری می‌آمد، هیچ وسیله‌ای برای صعود دوباره به آسمان‌ها نمی‌داشت. و این مطلق بود - هیچ کسی نمی‌توانست به آسمان‌ها صعود کند. روح‌های کمکی، گرچه در مجاورت سه‌قلمرو بودند اما داخل سه‌قلمرو نبودند. شبیه این است که من در مجاورت آن میز ایستاده‌ام اما داخل میز

نرفته‌ام. این دلیل آن است که چرا روح کمکی می‌توانست در تزکیه موفق شود و به آسمان‌ها صعود کند. اما حتی در آن موارد نیز، به‌خاطر این که در مجاورت سه‌قلمرو آمده بود، وقتی به آسمان‌ها برگردد خدایان سطوح بالاتر پوششی دور او قرار می‌دهند، برای همیشه او را از موجودات در آسمان‌ها جدا می‌کنند. گرچه او نمی‌تواند پوشش را ببیند. منظور این است که او را از آلوده کردن آسمان‌ها و موجودات ذی‌شعور آن‌جا باز دارند. اگر در این‌باره صحبت نکرده بودم حتی خدایان نیز درباره‌ی آن آگاهی نمی‌داشتند.

به بیانی دیگر، هر کسی وارد سه‌قلمرو می‌شد و به این مکان بشری می‌آمد سقوط کرده بود و نمی‌توانست دوباره صعود کند، زیرا در گذشته بشریت هرگز فای حقیقی که بتواند موجودات بشری را قادر به برگشت به آسمان‌ها کند نداشت. گفته شده که شاکيامونی فا را آموزش داد، و مسیح راه را آموزش داد. اما درحقیقت، آن‌چه آن‌ها آموزش دادند فقط برای یکی از روح‌های هر فرد، روح کمکی، در نظر گرفته شده بود، درحالی که جنبه‌ی بشری این‌جا نمی‌توانست آن را درک کند و این برای شخص در ظاهر و روح اصلی او، غیرممکن می‌ساخت که خودشان را از طریق تزکیه تغییر دهند. مردم درباره‌ی این صحبت می‌کنند که بودا شاکيامونی چگونه فا را به چنین و چنان روشی پخش کرد. اما او و افرادی شبیه وی صرفاً درحال بنیان نهادن فرهنگ بشریت بودند. وقتی ابتدا [آموزش فا را] آغاز کردم درباره‌ی این چیزها صحبت کردم. وقتی موجودات بشری در ابتدا توسط خدایان خلق شدند، ذهن‌شان لوحی خالی بود. هیچ توانایی درک این دنیا را نداشتند. آن‌ها تجربه‌ی زندگی واقعی را نداشتند، هرگز شکست یا سختی را تجربه نکرده بودند و همان‌طور که زندگی‌شان را می‌گذراندند نمی‌توانستند چهار فصل را از هم تمیز دهند. باید به انسان روندی برای آگاهی درباره‌ی دنیا و درک آن داده می‌شد- روندی که برای بنیان نهادن پیوسته‌ی شکل‌های گوناگونی از تمدن باشد- و از این‌رو می‌بایست برای بشر یک روش تفکر صحیح سازمان‌یافته و اعتقادات اخلاقی خلق می‌شد. چیزی شبیه آن فقط می‌توانست از طریق روندی بسیار طولانی در تاریخ شکل بگیرد و از این‌رو بشریت مجبور بود از میان سال‌های بسیار زیادی از تاریخ گذر کند. سه‌قلمرو و بشریت نمی‌توانست همان‌طور که اصلاح فا در حال هویدا شدن بود به‌صورتی پویا خلق شوند. این کار عملی نمی‌بود، بنابراین بایستی روندی تاریخی وجود می‌داشت که موجودات بشری را قادر می‌کرد همان‌طور که درطول آن روند در تاریخ از میان تجربیات واقعی گذر می‌کردند، چیزها را در سطحی منطقی درک کنند. فقط پس از آن می‌توانست وضعیت بودن، ذهنیت، ظاهر بیرونی، اعتقادات اخلاقی و رفتاری که انسان امروز دارد بنیان گذاشته شود.

سپس درطول این روند گذر از تجربیات واقعی در این دنیا و آگاهی درباره‌ی دنیا، درحالی که فرهنگ بشریت درحال بنیان گذاشتن بود البته بایستی به انسان‌ها درباره‌ی مهم‌ترین چیزها گفته می‌شد، از قبیل: خدایان چه هستند؟ بوداها چه هستند؟ دأوها چه هستند؟ و خدایان مختلف چه هستند؟ بنابراین، فرهنگ بشریت چگونه بنیان گذاشته شد؟ این خدایان به دنیای بشری فرستاده شدند به‌طوری که بتوانند باعث شوند انسان‌ها از طریق نجات پیدا کردن درباره‌ی این چیزها آگاه شوند. درواقع، درخصوص نجات مردم، هم‌اکنون گفتم که آن‌هایی که نجات داده شدند روح‌های کمکی بودند. حتی یک شخص هم نتوانسته به آسمان‌ها برگردد- همه هنوز هم در دنیای بشری درحال بازپیدایی هستند. به‌خاطر این که روح کمکی توسط شکل بیرونی فرد تأثیر می‌پذیرد، او همان ظاهر فرد را دارد. افرادی با کیفیت مادرزادی خوب برای روشن‌بینی، ممکن است ببینند که او به آسمان‌ها برگشت، اما این موجود خدایی صرفاً روح کمکی انسان بود که اتفاقاً همان تصویر شخص را داشت. اما او واقعاً بدن اصلی آن شخص نبود و آن شخص هنوز هم مجبور است دست‌خوش بازپیدایی شود. تاریخ دقیقاً بدین شیوه، قدم به قدم تا امروز بنیان گذاشته شد و انسان بدین شیوه پرورش داده شد تا شخصی با تفکر و رفتار معاصر شود و این برای این بود که وقتی تاریخ بشریت به این مرحله‌ی پایانی رسید، موجودات بشری قادر شوند فا را تشخیص دهند. به عبارت دیگر، ظهور شاکيامونی و ظهور برخی از خدایان در تاریخ به منزله‌ی ظهور فرهنگ‌های عرضه شده‌ی خدایی بود. و درواقع، خود این هم برای این بود که برای موجودات بشری روش تفکری بنیان گذارد که آن‌ها را قادر کند موجودات خدایی را درک کنند و فرهنگی بنیان گذارد که مفهوم موجودات بشری را قابل درک کند. اگر تاریخ غیر از این می‌بود، وقتی من امروز می‌آمدم تا فا را عرضه کنم، برای من خیلی سخت می‌بود که این فا را آموزش دهم، چراکه نمی‌دانستید یک خدا چه چیزی است، یک بودا چه چیزی است یا یک دأو چه چیزی است. آن‌گاه چگونه می‌توانستم آن را آموزش دهم؟ مجبور

می‌بودم همه چیز را برای شما توضیح دهم، شامل این که بوداها، داثوها و خدایان شبیه چه هستند، مشخصات آن‌ها چیست، چه کار می‌کنند، چگونه مردم را نجات می‌دهند، نجات دادن مردم چیست، برای افرادی که نجات داده می‌شوند چه اتفاقی می‌افتد و مانند آن. و حتی اگر تمامی این‌ها را برای شما شرح می‌دادم، شما نه تجربیات واقعی و دانش مورد نیاز را می‌داشتید و نه هیچ تصویری در ذهن‌تان، و نه این که از روند درک چیزها گذشته بودید. در این صورت چگونه فا را به شما عرضه می‌کردم؟ چگونه شما می‌توانستید آن را درک کنید؟ این دلیل آن است که چرا تمامی این چیزها می‌بایست در طول تاریخ کامل شود و بدین طریق امروز مردم بتوانند درک کنند که یک خدا چیست، فا چیست، تزکیه چیست، کمال چیست و مانند آن.

پس تزکیه چیست؟ فقط تزکیه‌ای که توسط مریدان دافا امروز انجام می‌شود تزکیه‌ی واقعی است، چراکه موجودات بشری در این‌جا واقعاً قادرند تزکیه کنند- چیزی که در تاریخ هرگز این‌گونه نبوده است. معنی "نجات تمامی موجودات ذی‌شعور" چیست؟ گرچه خدایان این فرهنگ را برای بشریت به‌جای گذاشتند، اما به چنین کارهایی [مانند نجات تمامی موجودات] واقعاً نپرداختند. اما من درحال انجام آن هستم و اکنون شما- مریدان دافا- نیز کسانی هستید که درحال نجات تمامی موجودات می‌باشید. و شما درحال انجام این کار برای تمامی بشریت هستید (تشویق)، نجات مردم در مقیاسی فراگیر. به‌عبارت دیگر، در انجام هر کاری که مریدان دافا امروز درحال انجام آن هستند- خواه قسمتی از برخی از پروژه‌ها باشید یا برای روشن‌گری حقایق به خیابان می‌روید، مطالب را پخش می‌کنید یا برای افشای شیطان، جلوی کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌ها می‌نشینید- درحال تزکیه‌ی خود، اعتباربخشی به فا و در این روند، نجات مردم دنیا هستید. این چیزی است که مریدان دافا درحال انجام آن هستند. گرچه به‌نظر عادی می‌آید، اما این کارها همگی باشکوه و قابل‌توجه هستند، زیرا تمامی حرفه‌ها در دنیای بشری و تمامی موقعیت‌ها محل تزکیه‌ی شما هستند. درخصوص تزکیه‌ی انجام شده در گذشته، شروع تزکیه به معنی رفتن به یک صومعه یا کوهستان‌ها بود. بسیاری از مردم این روش تزکیه‌ای را که برای مریدان دافا ارائه کردم درک نمی‌کنند. آن‌ها متعجب هستند، "چگونه درحالی که کار می‌کنند تزکیه می‌کنند؟ چگونه است که راهب نشده‌اند؟" این قابل‌درک است. درواقع، زمانی شاکيامونی در این باره صحبت کرد. او گفت وقتی پادشاه مقدسی که گردونه را می‌چرخاند به این دنیا فرود آید، مردم قادر خواهند بود بدون این که مجبور باشند جهان دنیوی را ترک کنند تا [سطوح] تاتاگاتاها تزکیه کنند. بنابراین چگونه یک شخص درحالی که جهان دنیوی را ترک نمی‌کند [به تزکیه] می‌پردازد؟ و در اجتماعی شبیه اجتماع امروزی، چگونه یک شخص قرار است تزکیه کند؟

هم‌اکنون گفتم و قبلاً هم گفته‌ام که در تمامی حرفه‌ها و در تمامی قشرهای جامعه مریدان دافا وجود دارند و آنان درحال نجات موجودات ذی‌شعور، اعتباربخشی به فا و ایفای نقش مریدان دافا در تمامی حرفه‌ها هستند. و درواقع، وقتی ترتیبی می‌دهید که درحالی که در حرفه‌های گوناگون هستید، تمامی کارهایی را که باید انجام دهید به‌خوبی انجام دهید، درواقع آن‌گاه درحال تزکیه کردن هستید. حرفه‌های گوناگون در دنیای بشری همگی محل‌های تزکیه هستند که برای شما فراهم شده است. این برمی‌گردد به موضوعی که پیش‌تر مطرح کردم- که هر چیزی از بشریت در سه قلمرو برای دافا خلق شد، برای دافا ساخته شد و برای دافا آمد. یک شخص می‌تواند درحالی که هر کاری انجام می‌دهد یا درحالی که در هر حرفه‌ای مشغول به کار است تزکیه کند. به بیانی دیگر، اجتماع بشری یک محل تمرین بزرگی برای تزکیه‌ی مریدان دافای من است و شما می‌توانید بدون توجه به این که کجا هستید تزکیه کنید. فقط به این بستگی دارد که در تزکیه‌تان کوشا هستید یا نه و این برای افرادی که به‌عنوان مأموران ویژه درحال انجام کارهایی هستند نیز مصداق دارد. (خنده‌ی حضار) همگی می‌توانید تزکیه کنید و موجودات را نجات دهید. فقط موضوع این است که چگونه تفکرتان را هماهنگ و متعادل می‌کنید و چه نگرشی نسبت به فا دارید.

چیزهایی که درباره‌ی آن‌ها صحبت کردم درواقع چیزهایی هستند که قبلاً در آموزش‌های فای خود به آن‌ها اشاره کرده‌ام؛ این بار صرفاً از زاویه‌ی دیگری درباره‌ی آن‌ها با شما صحبت کردم. مایل‌م از فرصت اندک بعدی برای پاسخ به برخی از سؤال‌های شما استفاده کنم. (تشویق) مدتی طولانی است که شما را ندیده‌ام و بسیاری از افراد سؤال‌های زیادی برای پرسیدن دارند. اما همیشه

افرادی هستند که در گذشته کوشا نبودند و اکنون کوشا شده‌اند. آن‌ها مجبورند مسیری را که دیگران درحال حاضر طی کرده‌اند از نو طی کنند و سؤال‌هایی را می‌پرسند که دیگران قبلاً مطرح کرده‌اند. (خنده‌ی حضار) همچنین قسمتی از افراد نیز هستند که کتاب‌ها را زیاد نمی‌خوانند. کتاب‌ها شامل تمامی پاسخ‌ها می‌شود، اما این اشخاص کتاب‌ها را نمی‌خوانند و بنابراین وقتی مرا می‌بینند هنوز می‌خواهند آن سؤال‌ها را [که کتاب‌ها جواب می‌دهند] بپرسند. (خنده‌ی حضار) اما بدون توجه به این‌ها، از آن‌جا که آنان ترتیبی دادند که مرید دافا شوند و در دافا تزکیه کنند، باید برجسته در نظر گرفته شوند. اگر سؤال‌هایی دارید، شروع کنید و بپرسید. هرچه باشد، من استاد شما هستم. وقتی مریدان سؤال‌های دارند و مخصوصاً آن‌هایی که به تزکیه مربوط می‌شود، این موضوعی جدی است که من باید به آن سؤال‌ها اشاره کنم و درباره‌ی آن‌ها با شما صحبت کنم. بعد، همان‌طور که سؤال‌ها را مطرح می‌کنید باید مطابق معمول از طریق برگه‌های کاغذ آن‌ها را ارائه دهید. و یک نکته‌ی دیگر هست. بیش از سه‌هزار نفر هستید که این‌جا نشسته‌اید و این بدون احتساب سالن‌های فرعی است. اگر از هر شخص یک برگه سؤال باشد، نمی‌توانیم به همه‌ی آن‌ها رسیدگی کنیم. (استاد می‌خندد) بنابراین افرادی که بخشی از کمیته‌ی سازمان دهنده‌ی کنفرانس هستند آن‌ها را مرتب کرده و سپس آن‌هایی را که انتخاب می‌شوند بالا می‌فرستند.

(استاد می‌نشیند، مریدان دست می‌زنند)

مرید: مریدان دافای شهرهای ووهان و شن‌ژن به استاد درود می‌فرستند! (تشویق) و ما در به‌خوبی انجام دادن سه کار و تا به آخر به‌خوبی پیمودن راه‌مان مصمم هستیم.

استاد: من به شما ایمان دارم. قطعاً به‌خوبی خواهید پیمود! متشکرم! (تشویق)

مرید: متوجه شده‌ام که آنچه مانع پیشرفت من بوده است در واقع این است که ایمان راستین من به اندازه‌ی کافی استوار و محکم نیست و اینکه عناصری در سطح میکروسکوپی وجود دارند که باور ندارند، بنابراین، این باعث می‌شود واقعاً غمگین شوم. من، مرید شما، حقیقتاً آرزو می‌کنم همراه با استاد به خانه‌مان برگردم.

استاد: از این برگه‌ی سؤال می‌توانم ببینم که، عناصری از قصور وجود دارند، اما در عین حال شما واقعاً می‌خواهید به‌خوبی تزکیه کنید. فکر می‌کنم که تا جایی که بیشتر فا را مطالعه کنید قادر به حل آنچه که باعث ناراحتی شما می‌شود خواهید شد و قطعاً به‌خوبی تزکیه خواهید کرد. وسیله‌ی خاصی وجود ندارد. با این شرایطی که افرادی زیادی در دنیا وجود دارند، هیچ راهی وجود ندارد که استاد بتواند شخصاً به تک‌تک افراد تزکیه کردن را آموزش دهد. این دلیل آن است که چرا همیشه به شما آموزش داده‌ام فا را به‌عنوان استاد در نظر بگیرید. گفته‌ام که استاد هر چیزی را در این فاش کرده است، اما تا امروز افرادی از شما که ارزش و بهای آن کلمات را درک کرده باشند زیاد نیستند. در آینده درباره‌ی آن دوباره با شما صحبت خواهیم کرد. اگر واقعاً به فا بچسبید و تزکیه کنید، قطعاً در تزکیه موفق خواهید شد! پس باید کتاب را بیشتر بخوانید و فا را بیشتر مطالعه کنید. (تشویق)

مرید: من از جانب مریدان شهر شن‌یانگ درود می‌فرستم! (استاد: متشکرم!) (تشویق) وقتی که ما میدان‌های بُعدی خودمان را پاک می‌کنیم، آیا می‌بایست حالت وصل شده‌ی دست‌ها (جی بین) را بکار ببریم یا حالت عمود نگه داشتن دست (لی‌جانگ)؟

استاد: وقتی که دست‌ها به هم وصل شده‌اند، بدن و ذهن‌تان درحال پاک شدن هستند، و وقتی کف دست برافراشته است، یک بیرون فرستادن وجود دارد. وقتی افکار درست می‌فرستید شکل ظاهری صرفاً برای تقویت کردن افکار شماست و به شما کمک کند با تمرکز بهتری آن یک کار را انجام دهید. در واقع، وقتی افکار درست شما قوی باشند، افکار شما به تنهایی کافی خواهد بود.

مرید: تمام مریدان دافای شهرهای بنگ دو، هی فی، هوآی نان در استان آن هویی دروهای شان را بر استاد بزرگ می فرستند! ما دلمان برای شما تنگ می شود. کی می توانیم شخصاً استاد رحیم خود را ببینیم؟ هم اکنون در چین، تمام کودکان شش ساله حداکثر دو ماه بعد از شروع به مدرسه رفتن، مجبور به ملحق شدن به پیشاهنگان جوان هستند. آیا کودکان در این سناریو وقتی که حزب پلید نابود می شود با خطر نابودی مواجه خواهند شد؟

استاد: کودکان در نظر گرفته نمی شوند. کودکان به حساب نمی آیند وقتی به زور به پیشاهنگان جوان ملحق می شوند. (تسویق) برای کودکانی که شش سال یا کمتر دارند قطعاً به حساب آورده نمی شود. (تسویق) ح ک چ شرور فقط در حال چرخاندن چرخ های خود می باشد (حاضر می خندند) هر چقدر هم این چیز و آن چیز را امتحان می کند، تفاوتی ایجاد نمی کند. (حاضر می خندند)

مرید: تمام مریدان دافای ترکیه به استاد درود می فرستند! ما از استاد رحیم و استاد بزرگ مان برای لطف نجات اش متشکریم!

استاد : متشکرم! (تسویق)

مرید: انتشار نه شرح و تفسیر و تلاش های مریدان دافا برای روشن گری حقایق باعث تغییرات عظیمی در وضعیت چین شده است. آیا ممکن است از استاد بپرسیم که آیا می توانیم از دلایلی مثل سفرهای تجاری، برای برگشتن به چین استفاده کنیم؟

استاد: بهتر است کمی بیشتر صبر کنید. (استاد می خندد) تمامی اصلاح فا با سرعت وحشتناکی به سمت سطح، جلو می رود، و هم اکنون بسیار سریع است، بنابراین تعداد نیروها و عناصر پلیدی که از بین برده شده اند به مقدار بسیار زیادی است، و آنها در اصلاح فا به مقیاس بسیار زیادی از بین برده می شوند و به تعداد زیادی کشته می شوند. در بُعد سطحی، جایی که اصلاح فا هنوز نرسیده است، وقتی افکار درست مریدان دافا بطور مشخص و خاصی قوی است، آنها نیز تعداد بسیار زیادی از نیروهای پلید را از بین می برند. مریدان دافا در سراسر دنیا، شامل آنهایی که در سرزمین چین هستند، به سرعت در حال از بین بردن جوهر و موجودیت های حزب شیطان و همچنین خدایان مداخله گر هستند. و مهم تر این است که اخیراً توده کثیری از خدایان، نیروهای کهن را تعقیب می کنند و آنها را در تمام جبهه ها از بین می برند. به محض اینکه پیدا می شوند، به جهنم انداخته می شوند. و حتی وقتی هیچ کدام پیدا نمی شوند، خدایان با هدف کاملاً روفتن آنها، همه جا را می گردند (تسویق)، و سر راه، بعضی از عواملی که نیروهای کهن برنامه ریزی کردند نیز، از بین برده می شوند. چیز دیگری که درست هم اکنون وجود دارد، این است که آن خدایان مداخله گری که به مذاهب مربوط می شوند، که اخیراً مطرح کردم نیز، در حال پاک شدن هستند. پس، وضعیت بطور کلی به سرعت در حال عوض شدن است. اما مادامی که موجودات پلید کاملاً از بین برده نشده اند، اعمال بدی انجام خواهند داد، و آنها تمام تلاش شان را بر افراد و چیزهای بسیار بد متمرکز خواهند کرد. بنابراین در حال حاضر، [برای برگشتن] زیادی دلواپس و هیجان زده نباشید.

مرید: شاگردانی در آکادمی هنرهای فی تی ان که در مسافرت برای اجرای نمایش هستند چه نقشی را قرار است در روند اصلاح فا ایفا کنند؟ آیا هنوز لازم است آنها دبیرستان و کالج را به پایان برسانند؟

استاد: آکادمی هنرهای فی تی ان یک مؤسسه ی حرفه ای است که برای آموزش استعداد درجه ی یک و ممتاز طراحی شده و البته شامل یک برنامه ی آموزشی آکادمیک است. وقتی به موضوعات معمولی مربوط می شود، شاگردان در امتحانات استاندارد شده در آمریکا برای شاگردان دبیرستانی شرکت می کنند، مطمئن می سازد که آنها در این موضوعات عقب نیفتند. مریدان دافا هنوز در مورد مدرسه در حال کار کردن هستند، و امور بطور مداوم در حال کامل شدن هستند.

نقش‌هایی که شاگردان آکادمی هنر فی تی/ان در اعتباربخشی به فا ایفا می‌کنند به هیچ وجه کوچک و ناچیز نیست. در هنگام آشکارسازی حقایق ممکن نیست به یک‌باره به تعداد زیادی از مردم دست یافت، و اگر چه مریدان دافا با تلاش‌هایشان در امور آشکارسازی حقیقت بسیاری از مردم را نجات داده‌اند، آن تلاش، به سختی می‌تواند به میلیاردها نفر در دنیا دست یابد. همه‌ی شما این را دیده‌اید. وقتی که واقعیت‌ها را به کسی توضیح می‌دهید، معمولاً به شکل تک به تک انجام می‌شود، یا هر بار فقط تعداد کمی از افراد. اما تنها با یک‌بار نمایش، توجه هزاران، یا حداقل یک‌هزار تماشاچی را جلب می‌کند. برای نمونه، نتایج نمایش‌های زمان کریسمس گذشته هستند، که عالی بوده‌اند. بیشتر افراد در محل نمایش کاملاً تغییر کردند. ابتدا تعداد کمی جاسوس برای ایجاد دردسر فرستاده شد، و آنها با تحریک خدایان مداخله‌گر در ارتباط با مذاهب، دردسر و مشکلات ایجاد کردند. آن وقت اقدامات احتیاطی بکار برده شد، و بعد هیچ مشکلی از آن نوع وجود نداشت. هنگام ترک تئاتر، رفتار اولیه اعضای شرکت کننده نسبت به مریدان دافا اساساً تغییر یافته بود- رفتارشان نسبت به فالون گونگ تماماً تغییر یافت. با این برگشت در فکر شخص، سرنوشت او- یعنی، آیا او باقی می‌ماند- تعیین می‌شود.

شاگردان در کلاس پیشرفته درحال حاضر در سفر برای اجرای نمایش هستند، و وقتی سفر تمام می‌شود، بیشتر از دویست هزار نفر آن را دیده‌اند. درباره‌ی این بیندیشید: این کوشش چقدر خوب نتیجه داده است؟ (تشویق) فکر می‌کنم این تلاش ارزش‌اش را داشته است. (حاضر می‌خندند) پس وقتی متوجه شدیم که یک گروه برای رقص کافی نبود، دومی، و سپس سومی را برپا کردیم. هرچه باشد، ما درحال نجات موجودات هستیم. این مریدان جوان دافا نه تنها کارهایی را برای رهایی بخشیدن موجودات انجام می‌دهند، بلکه از طریق تزکیه درحال بالا رفتن نیز هستند. و آنها خودشان را بنا می‌نهند، چراکه آنچه درحال انجام آن هستند، خودش تزکیه است، و آنچه آنها درحال پیمودن هستند یک راه خدایی است.

مرید: بسیاری از هماهنگ‌کنندگان در تایوان بخاطر خودخواهی و وابستگی‌هایشان، درحالی که تمرین‌کنندگان را در ارتباط با انجام دادن امور اعتباربخشی به فا رهبری می‌کنند، همراه شده‌اند، و آن امور با ملزومات فا همراه نبودند. تبادل نظرات، بی‌ثمر بود، حتی بعد از چندین بار تکرار شدن. مرید شما این را دیده و بسیار نگران است. استاد می‌خواهم بپرسم که چگونه یک تمرین‌کننده‌ی معمولی بدون اینکه دسته‌بندی و نزاعی ایجاد شود و از طریق همکاری خوب، باید نقش خود را ایفا کند؟

استاد: فکر می‌کنم [آنچه توصیف کردید] محصول تفکر بشری بیش از حد است، و وقتی افراد کارهای مربوط به مریدان دافا را با طرز فکر و ذهنیت یک انسان انجام می‌دهند امور این‌گونه پیش خواهند رفت. اگر هر فردی راه خودش را به‌خوبی طی کند و خودش را همان‌طور که به تزکیه می‌پردازد خوب تزکیه کند، او امور را به‌خوبی انجام خواهد داد. دستیاران در مناطق مختلف واقعاً فقط افرادی هستند که امور را هماهنگ می‌کنند، با این تفاوت که وقتی انجمن‌های فالون دافا یا استاد، کاری برای آنها در نظر دارند که انجام دهند، با آنها تماس گرفته می‌شود و خواسته می‌شود که برای اطلاع دادن و آنچه لازم است، با تمرین‌کنندگان تماس بگیرند. هر کدام از آنها باید خودشان را خوب تزکیه کنند، مثل بقیه. تمام مریدان دافا، بعلاوه‌ی دستیاران، باید وقتی مشکلی سر بر می‌آورد به درون نگاه کنند. وقتی همه این کار را بکنند، امور قطعاً به‌خوبی پیش می‌روند. این یک مشکل است اگر تمام چشم‌ها بر دستیاران دوخته شود، و همه درحال کمک به آنها باشند تا آنها تزکیه کنند درحالی که فراموش کنند که آنها خودشان هم تزکیه کننده هستند. وقتی این‌طور باشد، مشکلات بیشتر و بیشتری سر بر می‌آورد، زیرا شما درحال نگاه کردن به بیرون، نگاه کردن خارجی هستید.

اما، اگر دستیاران واقعاً کار را خوب انجام نمی‌دهند، یا اگر توانائی‌شان کم باشد، آن وقت قطعاً تغییر باید در نظر گرفته شود. این بدین علت است که ناتوانی آنها برای به‌خوبی انجام دادن امور، هرچند به موضوعات وسیع‌تری که پیشرفت در آن منطقه را به‌عنوان یک کل درگیر می‌سازد، مربوط می‌شود، با این حال، با کوشش‌های مریدان در اعتباربخشی به فا مداخله و مزاحمت ایجاد خواهد کرد.

اما اگر تک تک مریدان دافا بتوانند ترتیبی بدهد که در مقابل تزکیه‌ی خودش و دافا مسئول باشد، فکر می‌کنم به عالی شدن وضع امور در تمامی منطقه منجر شود.

یک دستیار قطعاً مرتکب اشتباهاتی می‌شود. شنیدید که اکنون چه گفتم، درست؟ او قطعاً اشتباهاتی می‌کند. زیرا اگر اشتباه نمی‌کرد، او یک خدا می‌بود، و دیگر احتیاجی به تزکیه کردن نمی‌داشت. پس آیا وقتی یک دستیار اشتباهی کرد باید با او سخت‌گیرانه‌تر از دیگرانی که اشتباهاتی می‌کنند، رفتار شود؟ تزکیه یکسان است و با همه به یک شکل رفتار می‌کند. از لحاظ تأثیر گذاشتن، البته مسئولیت او بیشتر است، و رفتار او احتمالاً بر تمرین کنندگان دیگر تأثیر خواهد گذاشت. پس بطور طبیعی استاد ملزومات بالاتری را برای او در نظر دارد. اما در واقعیت، به‌عنوان یک شخص تزکیه‌کننده، با او مثل همه رفتار می‌شود. در موقعیت‌های عادی، یک دستیار نمی‌تواند فقط بخاطر ارتکاب یک اشتباه از وظایفش رها شود. خوب، چرا این‌گونه است؟ همانطور که مریدان دافا تزکیه‌شان را انجام می‌دهند، خود دستیاران درحال بنیان گذاشته شدن و آبدیده شدن هستند، چراکه شکلی که دستیاران مریدان دافا کارهای‌شان را انجام می‌دهند، شبیه آن در جامعه‌ی عادی یافت نمی‌شود. آن بی‌سابقه است. اگر او با انجام دادن یک اشتباه برکنار شود، و آن وقت نفر بعدی [که بزودی برگزیده می‌شود] به‌خاطر این که او نیز مرتکب اشتباهاتی خواهد شد برکنار شود، آن وقت این، آن چیزی نیست که من می‌خواهم. من آبدیده شدن او را می‌خواهم و اینکه بگذارم به بلوغ برسد. به شکل دیگری بگوئیم، آیا فایده داشت اگر وقتی شما، یک مرید دافا، اشتباهی مرتکب شدید، به شما اجازه نمی‌دادم که دیگر یک مرید دافا باشید و شخص دیگری را جایگزین شما می‌کردم؟ (مریدان می‌خندند) اما اگر آن فرد اشتباهی می‌کرد و مجاز نمی‌بود که یک مرید دافا باشد، و ما او را با شخص دیگری عوض می‌کردیم، آیا آن فایده می‌داشت؟ همانطور که تزکیه می‌کنید مشکلات قطعاً سر بر می‌آورند، و وقتی سر برآورند، مهمترین چیز این است که چگونه همه با حسن نیت به او کمک کنند، تا بهتر شود، بجای اینکه او را به نحوی مقصر بدانیم یا او را مورد انتقاد قرار دهیم. طرز برخوردی که هر تزکیه‌کننده با دیگران دارد بازتاب تزکیه‌ی خود اوست، و شما باید همگی در این چیزها روشن و آگاه باشید.

اگر یک دستیار اشکال و نقصی دارد، مسئولیتی که باید در قبال آن تحمل کند قطعاً بیشتر است، و همه‌ی شما آن را می‌دانید. استاد، بدن‌های قانون بی‌شماری دارد که از این امور مراقبت می‌کنند، و آنها قطعاً نمی‌گذارند به مشکلات او یا فرصت‌ها برای ترقی و بهبود توجه و رسیدگی نشود. اما اگر بیش از حد به اشکالات او وابسته شوید، از طریق این موضوع، اشکالات شما خودشان نشان داده خواهد شد، و شما مجبور به دیدن اشکالات خودتان از طریق این موضوع خواهید شد، و این مسئله ممکن است به این منجر شود که مشکل او، در آن زمان، در نتیجه‌ی از بین نرفتن وابستگی شما، حل و فصل نشود. و اگر باز هم افراد بیشتری به حرکت در آیند و در آن درگیر شوند، پس در آن صورت، تمام اشکالات شما، برای آنکه آنها را ببینند، از طریق آن برملا می‌شوند. چنین چیزهایی اتفاق خواهد افتاد. این‌طور نیست که اشکالات باید حل نشده باقی بمانند، و این‌طور نیست که بدن‌های قانون استاد آنها را نشان نخواهند داد.

مرید: مرکز رسیدگی جهانی برای ترک ح‌ک‌ج اغلب از طرف مردم در مناطق مختلف سرزمین چین تلفن‌هایی دریافت می‌کند، از ما می‌خواهند که درودشان را به استاد برسانیم!

استاد: در این صورت من از مردم سرزمین چین و موجودات ذی‌شعور تشکر می‌کنم! (تسویق) هنگامی که مردم دنیا از کنترل عوامل اهریمنی رهایی یابند، آنها بیدار خواهند شد، و از ذهن خودشان برای فکر کردن در مورد امور استفاده می‌کنند. وقتی مردم موضع‌شان را اظهار کردند یا اوایل زیر تهدید و حمله و فشار اهریمنی که آسمان را تاریک کرد و زمین را پوشاند بیابیه‌ها و نظرانی علیه دافا اظهار کردند، مهم نبود که چه تعداد زیادی از این موارد وجود داشت، آن، خود شخص نبود که واقعاً آن چیزها را می‌گفت. بلکه عوامل پلید بود که از دهان آن افراد استفاده می‌کرد. من برای آن تمایز مشخصی قائل می‌شوم! بنابراین به اهریمن می‌گویم: در

دوره‌ی اصلاح فا به آن چیزهایی که انجام دادید و آرزوی شما برای شکنجه و آزار دادن مردم، با دقت و بدون کم و کاست رسیدگی می‌شود.

مرید: سلام، استاد! من مرید شما، به‌عنوان روزنامه‌نگار با یک رسانه کار می‌کنم. اغلب احساس می‌کنم که توانایی من محدود شده است و اینکه بسیار آهسته موانع را برطرف کرده‌ام. برای مدت زمان طولانی‌تری وقت می‌برد مقالات خبری را بنویسم تا تقاضاهای تخصصی را. بنابراین در مورد این واقعاً نگرانم، و احساس می‌کنم که این مربوط به رشد آهسته‌ی شین‌شینگ من است.

استاد: اگر به مطالعه‌ی فا مرتب ادامه دهید موانع برطرف می‌شوند. فقط با خوب مطالعه کردن فا، شما می‌توانید به فا اعتبار ببخشید، و فقط با خوب مطالعه کردن فا می‌توانید بهتر عمل کنید. بسیاری از تمرین‌کنندگان به‌واسطه‌ی مطالعه‌ی فا، در خودشان دیده‌اند که قادرند درباره‌ی چیزهایی که قبلاً نمی‌دانستند که چگونه آنها را انجام دهند، بیشتر خلاق و فراگیر باشند، و قادرند همه کاری را با خبرگی زیادی انجام دهند. این است آنچه رخ می‌دهد وقتی فا را به‌خوبی مطالعه کنید. الان نمی‌گویم که شما خوب تزکیه نکرده‌اید. من درباره‌ی یک اصل فا در حال صحبت کردن هستم. کتاب را بیشتر بخوانید، فا را بیشتر بخوانید، و شما قطعاً خرد را بدست می‌آورید.

مرید: در طی آشکارسازی حقایق اغلب با این نوع از اشخاص مواجه می‌شوم. او با فالون گونگ آشنایی دارد، اما نه با روزنامه‌ی داجی‌یوان (ایک تایمز). سؤالم این است، آیا شکلی که داجی‌یوان اداره می‌شود سبب می‌شود که مردم فالون گونگ را غلط درک کنند. یا اینکه، اشکالاتی در جوهر وجودی خود این رسانه‌هاست؟

استاد: از نظر من، هیچ کدام. همه نوع افرادی در دنیا وجود دارند: یک نفر ممکن است غذای ادویه‌دار را دوست داشته باشد و شخصی دیگر غذای ترش را- انواع مختلفی از ذائقه در بیرون وجود دارد. مردم عدم درک‌های متفاوتی دارند، که تمام اینها بخاطر مسموم شدن توسط دروغ‌های بی‌پایه‌ای است که توسط ح‌کچ اهریمنی پخش شده است. هر کجا که عدم درک فرد وجود دارد، آنجاست که مشکلات درخصوص اینکه او چگونه به امور می‌نگرد سر بر می‌آورند، و این خودش را در شکل‌های مختلف دیدگاه‌ها نشان می‌دهد. البته، این به این معنی نیست که وجود این رسانه بطوری ایده‌آل اداره شده است. اما، حداقل رسانه‌هایی که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند پاکیزه‌تر از آنهایی هستند که توسط افراد معمولی اداره می‌شوند. روی هم رفته آنها در حال نجات مردم هستند و برای آنها فایده دارند، و از آن نظر، با رسانه‌های عادی قابل مقایسه نیستند. پس چرا هنوز افرادی وجود دارند که آن‌گونه فکر می‌کنند و چنین چیزهایی می‌گویند؟ این، حاکی از این امر می‌باشد که افراد مختلف در قلمروهای متفاوتی هستند و از چیزها برداشت‌های مختلفی دارند. هر جایی که فرد بیشتر توسط حزب شرور مسموم شده است، آن محلی است که چیزها خود را آشکار می‌کنند. پس، فکر می‌کنم بهتر است که حقایق را بطور کامل در هر موضوعی برای او آشکار کنید و کمکش کنید تا امور را درک کند. این‌طور نیست که داجی‌یوان واقعاً اشکال جدی دارد.

مرید: درباره‌ی وارد شدن ایستگاه تلویزیونی حزب اهریمنی در کانادا و نیز تأسیس کردن تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید چگونه می‌توانیم موانع را پشت سر بگذاریم؟

استاد: با مریدان دافاست که آن را چگونه انجام دهند. باید یک چیز را بخاطر داشته باشید. امروز، مکان و صحنه‌ی بشری برای مریدان دافاست که در آن نمایش دهند، و قطعاً نه برای آن اهریمنان! (تشویق) تا وقتی که به‌خوبی انجام دهید و هر کدام به درک‌های خوب برسید، با یکدیگر همکاری و همیاری کنید، و افکار درست قوی داشته باشید، پس چیزی نیست که نتوان انجام داد، زیرا نقطه‌ی شروع شما همانندی ندارد- آن برای نجات تمام موجودات است! سه قلمرو بمنظور کارهایی که باید در حال حاضر انجام

دهیم آفریده شد، نه اینکه برای افراد معمولی، خوشی فراهم کند، و قطعاً نه برای سرگرم‌سازی و تفریح مردم عادی. انسان‌ها در واقع سرگرمی‌ها و تفریحات خود را دارند، اما این فقط بخشی از زندگی انسان است، و این وضعیت و حالتی است که انسان‌ها در زمانی که منتظر فایده هستند، حفظ می‌کنند.

مرید: چرا هر چقدر هم که سخت تلاش کنم، من مرید شما، همیشه احساس می‌کنم که نمی‌توانم با روند اصلاح فایده‌ها
شوم؟

استاد: فکر می‌کنم که بینش شما بسیار خوب است. اگر همیشه احساس کنید که کوتاهی و قصور دارید، سپس سعی کنید بطور پیوسته مستقیماً به آن‌ها رسیدگی کنید و با بیشتر خواندن فایده و با بیشتر انجام دادن آنچه که مریدان دافا می‌بایست انجام دهند، جبران کنید. این همه آن چیزی است که لازم است انجام دهید.

مرید: ما گروهی هستیم که کتاب‌های درسی زبان چینی را تألیف می‌کنیم. مایلیم از استاد بپرسیم: با روند اصلاح فایده که در مرحله‌ی فعلی است، ما چه مقدار انرژی برای بوجود آوردن کتاب‌های درسی باید صرف کنیم؟ آیا باید زمان بیشتری را برای بوجود آوردن کتاب‌های درسی صرف کنیم یا برای پروژه‌های دیگر؟

استاد: فکر می‌کنم که چه در حال ساختن کتاب‌های درسی چینی باشید یا در حال انجام کاری دیگر، باید درباره‌ی انجام آن‌ها به شیوه‌ای هماهنگی شده فکر کنید، و ببینید که آیا مدرسی که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند کتاب‌های درسی شما را استفاده خواهند کرد. اگر استفاده نکنند، وقتی آماده کردن آن را تمام کردید و هیچ‌کسی از آن‌ها استفاده نکند، آیا وقت‌تان را تلف نکرده‌اید؟ پس این باید با به شیوه‌ای هماهنگی شده انجام شود. اگر مدرسی که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند واقعاً به آن‌ها احتیاج دارند، پس آن را انجام دهید، و آن را به خوبی انجام دهید. وقتی چیزی شبیه به این شروع شود یک تعهد کوچک نیست، و کم ارزش نیست. [کار شما] برای بشر باقی خواهد ماند. اگر صرفاً این‌طور است که شما خودتان می‌خواهید آن‌ها را بیافرینید، پس اگر، وقتی آن‌ها را تمام کردید، معلوم شود که آن‌ها عیب‌ها و نقص‌هایی دارند یا نامناسب هستند و نمی‌شود آن‌ها را استفاده کرد - آن وقت آیا باعث به تعویق انداختن امور و کارهای دیگر نشده‌اید؟ پس لازم است که خوب هماهنگ کنید.

مرید: اول، مایلیم از طرف مریدان انگلستان به استاد درود بفرستیم! ما برای سفر جهانی تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید برای نمایش سال جدید چینی، به خوبی آمادگی نشان ندادیم. به خاطر درگیری‌های بسیاری که هنگام پیدا کردن محل نمایش با آن‌ها روبرو شدیم، نمایش در انگلستان انجام نشد. آیا این به خاطر این است که مریدان دافا در انگلستان به عنوان یک کل، اشکالاتی دارند؟

استاد: فکر می‌کنم که اگر حتی محل نمایش نمی‌توانست پیدا شود، آن واقعاً یک اشکال است. [مریدان می‌خوانند] آن چطور می‌تواند اتفاق بیفتد؟ آیا به این خاطر بود که شما فکر نکردید که اهمیت زیادی دارد، و به خوبی هماهنگی نکردید؟ هر سال هزاران مریدان دافا یک نمایش سال جدید چینی را برگزار می‌کنند، و وقتی به مناطق دیگر پخش شد، کشورهای دیگر حتی نمایش‌های خودشان را برپا کردند. چرا ما این کار را انجام می‌دهیم؟ آیا برای سرگرمی مردم؟ مسلماً نه. همه از این لحاظ روشن هستند. آنچه آرزوی انجام آن را داریم، این است که، از طریق این وسیله، رفتار مریدان دافا را نشان دهیم، دروغ‌ها و تهمت‌هایی که حزب پلید در مردم تزریق کرده است را از بین ببریم، و هم‌زمان تمام موجودات را نجات دهیم و حقایق را آشکار کنیم. امروز، در هر کجای دنیا، در طبقات متوسط یا طبقات بالا، اگر افرادی وجود دارند که می‌گویند درباره‌ی فالون گونگ نمی‌دانند، می‌گویم آن‌ها وانمود می‌کنند که نمی‌دانند و خود را به نادانی می‌زنند. و مخصوصاً اگر او کسی از آژانس دولتی باشد که ادعا کند نمی‌داند فالون گونگ چیست، پس او عمداً خودش را به نادانی زده است - واقعاً به نادانی زده است. پس به کلامی دیگر، همه اساساً می‌دانند فالون گونگ درباره‌ی چیست،

و همه‌ی آنها می‌دانند که ح کچ درحال شکنجه و آزار فالون گونگ است، و اینکه فالون گونگ گروهی از افراد خوب و مهربان هستند که بر طبق جن،شن،رن تزکیه می‌کنند. آنها این را به‌خوبی می‌دانند.

پس فکر می‌کنم از آنجا که مشکلی سر برآورد، لازم است واقعیت‌ها توضیح داده شوند. فکر می‌کنم آن با آشکارسازی واقعیت‌ها می‌بایست حل شود، و هم‌زمان، ما باید دقیق حساب کنیم چه چیز مانع ما است. بزرگترین مشکل در واقع این است که تمرین‌کنندگان با یکدیگر به‌خوبی همکاری نکرده‌اند. البته، مناطقی وجود دارند که تمرین‌کنندگان در جر و بحث‌های بی‌انتهایی گیر کرده بودند- یکی می‌خواست این تئاتر را اجاره کند و دیگری تئاتر متفاوتی را می‌خواست- و آنها فراموش کردند که آنها، قرار بود به فا اعتبار بخشند، نه به خودشان.

در سال‌های گذشته این‌ها همگی توسط شما، مریدان دافا انجام داده شد. اما، هر سال بعد از اینکه آن را تماشا کردم، هم‌زمان هم خوشحال و هم ناخوشنود بودم. مریدان دافا در هر نمایش سال جدید چینی، پول، مواد چاپی و منابع انسانی زیادی را خرج کردند، و افرادی که درگیر بودند معمولاً اعضای اصلی پروژه‌های گوناگون بودند. پس اگر به نتایج دلخواه‌مان دست نمی‌یافتیم، واقعاً تماماً ضرر می‌شد، و نمی‌ارزید. حتی در طی نمایش، نظریه‌های کنایه‌دار شنیدم، و کسانی که به تئاتر رفته بودند، همان‌طور که از نمایش خارج می‌شدند همه‌گونه چیزی می‌گفتند- یعنی نتیجه‌ی دلخواه بدست نیامده بود. البته، مریدان دافا درحال اعتباربخشی به فا هستند، و همان‌طور که حقایق را آشکار می‌کنند ممکن است همیشه در رسیدن به هدفشان موفق نباشند. بعدها درباره‌ی آن برای مدتی فکر کردم، می‌سنجیدم: "آیا به برپایی نمایش باید ادامه دهیم؟ اگر نتایج همین‌طور بماند، نمی‌شود برپا شود. مریدان دافا تمامی این کارها را انجام نداده‌اند که مردم را سرگرم کنند. اگر بعد از آنکه بسیاری منابع مادی، مالی و انسانی برای آن خرج کرده‌ایم- و در چندین منطقه انجام داده شده است- نتواند مردم را نجات دهد، پس نمی‌تواند ادامه یابد." بعداً، وقتی به دقت آن را سبک و سنگین کردم دیدم که در واقع تعدادی از افراد بااستعداد در این زمینه در میان مریدان دافا وجود داشت، و اینکه همیشه می‌خواستند با این استعداد و ظرفیت به فا اعتبار بخشند. همه‌ی آنها آرزوی مشابهی داشتند. البته، من درحال صحبت درباره‌ی آن در سطح ظاهری هستم. پس فکر کردم: "حالا که وضعیت این است، پیش می‌روم و رهبری آن را به‌عهده می‌گیرم." (تسویق) یا دست کم، تا زمانیکه پخته و بالغ شوند آنها را راهنمایی می‌کنم، آنها را تا چند سالی رهبری می‌کنم، تا جایی که آنها بدانند که چگونه امور را انجام دهند.

البته، گفتن از انجام دادن همیشه آسان‌تر است، و به محض آنکه من درگیر شدم ماهیتش هم عوض شد. شما همگی می‌دانید که مریدان دافا قرار است اعتبار بخشی به فا را انجام دهند، پس آن وقت استاد درحال انجام چه کاری است؟ استاد برای انجام اصلاح فا آمد. این دلیل آن است که چرا همین که تصمیم گرفتم این را انجام دهم، همه چیز تغییر کرد- افراد تماشاچی جلوی روی ما، افرادی که می‌خواستیم نجات دهیم، و خود کاری که باید انجام داده می‌شد. اگر این قرار بود به‌خوبی انجام شود، پس باید به بهترین نتایج دست یابد. و واقعاً مردم را نجات و رهایی بخشد. فقط آن وقت آن را انجام می‌دادم، و این می‌بایست بدست آورده می‌شد. پس نمی‌توانستم کارها را مثل قبل انجام دهم. قبلاً، مریدان دافا نمایش را به‌صورت پاره‌وقت انجام می‌دادند، و حالا، اگر قرار بود انجام داده شود، باید با کیفیتی عالی انجام می‌شد. البته، بعضی افراد گفتند، "هر آنچه استاد بخواهد انجام دهد به یقین باید به بهترین وجه انجام شود." حقیقت است! اگر بهترین نبود، انجامش نمی‌دادم. (تسویق) پس، از افراد خواستم گرفتن اعضای تازه و برپا کردن مدرسه‌ی رقص، انتخاب افراد بااستعداد و شکل دادن یک ارکستر را شروع کنند. تمامی این رشته‌ها، وقایع، تعلیم و رشد و توسعه با شروع از اصول و اساس‌ها را طلب می‌کرد، و تمام آن باید واقعاً به بهترین و عالی‌ترین اجراهای نمایشی ختم می‌شد. استاد در بسیاری از این امور درگیر بوده است، شامل آفریدن اجزاء ترکیب‌کننده‌ی آن و تمرینات. همه‌ی شما درباره‌ی آن شنیده‌اید.

در هر موردی، کودکان در اجرای نمایش‌هایشان عالی عمل کردند. آنها واقعاً یک کار فوق‌العاده انجام دادند. به‌ندرت دیده می‌شود که تماشاچیان، در یک رویداد نمایشی هنری اشک بریزند. در هر نمایش اجراشده توسط هنرهای نمایشی الهی، بسیاری از اعضای تماشاچیان بودند که در تمام مدت اشک ریختند، تعداد بیشتری بودند که مرتباً اشک‌ها را از چشمان‌شان پاک می‌کردند. هر

نمایش آن گونه بود. مردم عمیقاً تکان خوردند و تحت تأثیر قرار گرفتند. در این بُعد این افراد جوان بودند که درحال اجرای نمایش بودند، درحالیکه در بُعدهای دیگر، بسیاری از بدن‌های قانون من و موجودات الهی درحال انجام آن بودند. (تسویق) قدرت اثربخشی بر مردم، و تغییراتی که در آنها ایجاد کرد، خیلی شبیه آن چیزی بود که در زمانی که شخصاً در اوایل فافا را آموزش دادم، اتفاق می‌افتاد. (تسویق) بنابراین باعث تغییرات عظیمی در مردم شده است.

با این همه، این هنرهای نمایشی است، پس هر چه کیفیت بالاتر باشد، افراد بیشتری آن را پذیرا می‌شوند و تغییرات عظیم‌تری در افراد رخ خواهد داد. بنابراین باید نمایش‌های عالی و کاملی باشند. باید از هر جنبه عالی باشند- در لحظه‌ای که پرده بالا می‌رود، باید زیباترین صحنه جلوی چشمان قرار گیرد. ملزومات این است که طراحی رقص و نمایش، لباس‌ها، و اثر تئاتری، همگی باید زیبا باشند. مردم در این جامعه‌ی امروزی، دیگر این را درک نمی‌کنند. حس زیبایی‌شناسی مردم همراه تمایلات جامعه تغییر می‌کند. یک روز، چنین و چنان، مد است، پس گفته می‌شود که خوب می‌باشد، سپس روز دیگر چیز دیگری مد است، و بنابراین چیز متفاوتی گفته می‌شود که خوب است. فقط مریدان دافا تغییر نمی‌کنند و تغییر ناپذیرند، و ما تنها کسانی هستیم که می‌دانیم که زیبایی حقیقی چیست؟ از آنجا که مریدان دافا، جن، شن، رن را تزکیه می‌کنند، ما قادریم که بدانیم چه چیزی واقعاً خوب است- چیزی که هرگز تغییر نمی‌کند- و با بخش خوب و عالی افراد هم آوایی دارد. این چیزی است که افراد عادی درحال حاضر نمی‌توانند انجام دهند. همچنین، انرژی که با آوازهای خواننده‌های ما، با موسیقی ارکستر و با حرکات رقص‌کنندگان در نمایش به بیرون فرستاده می‌شود، خالص و نیک‌خواه، مهربان و فوق‌العاده قدرتمند است. در واقع، بسیاری از افراد تماشاچی مشکلات تندرستی‌شان، در این میدان برطرف شده بود. آنهایی که نمایش‌ها را دیدند هنوز این را نمی‌دانند، اما بتدریج آن را خواهند فهمید. در زمانی که آنها دیدن نمایش را تمام کردند، ذهن‌شان پاک شده بود و سلامتی‌شان را بازیافته بودند. (تسویق) پس فکر می‌کنم که آنچه ما انجام دادیم نتایج عالی را دربرداشت. و البته، بیشتر اجراکنندگان، مریدان جوان دافا هستند، پس بدین طریق، [مقدار زیادی] از منابع مریدان دافا را مصرف نمی‌کند.

مرید: هدف مسابقه‌ی بین‌المللی رقص کلاسیک چینی تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید چیست؟

استاد: پیش‌تر نمی‌خواهم این را بطور کامل توضیح دهم، از این طریق چیز خوبی را برای صحبت کردن بعد برای خودمان باقی می‌گذاریم. (مریدان می‌خندند) اما می‌توانم برای تان دوباره‌ی آن از لحاظ سطحی صحبت کنم. ح‌ک‌چ پلید از هر چیزی که مریدان دافا انجام دهند، می‌ترسد. اجراهایی که توسط مریدان دافا انجام می‌شوند از خالص‌ترین و درست‌ترین فرهنگ چینی، فرهنگ باستانی، و فرهنگ واقعی هستند که توسط خدایان به امانت گذاشته شده‌اند. و این البته فرهنگ ح‌ک‌چ اهریمنی را از بین می‌برد، پس بطور طبیعی، می‌ترسد. هر چقدر هم که حزب پلید مکانیزم‌هایش را بکار گیرد، یک دولت فرومایه است که فقط یک قطعه زمین را که چین است اشغال کرده است. پس هر آنچه انجام می‌دهد به مرزهای چین محدود می‌شود. در مقایسه، وقتی تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید کاری انجام می‌دهد مثل این [مسابقه]، در مقیاس جهانی است- صرف‌نظر از هر چیز دیگر، یک مسابقه‌ی بین‌المللی و یک واقعه‌ی بین‌المللی است. (استاد می‌خندد) (حضرار می‌خندند و کف می‌زنند)، برندگان، برنده‌ی یک مسابقه‌ی بین‌المللی خواهند شد.

مرید: ممکن است درباره‌ی اینکه آیا برای مدرسه‌ی مینگ‌هوویی بکارگیری کلمات ساده شده‌ی چینی اشکالی ندارد صحبت

کنید؟

استاد: آنچه را که سودمندترین و درخورترین است انجام دهید. شما می‌توانید کارها را فقط بر اساس موقعیت‌های جاری بشر انجام دهید. مدارس مینگ‌هوویی در تایوان الفبای سنتی را بکار می‌برند، و آنهایی که موافق سلیقه‌ی مردم سرزمین چین است الفبای

ساده شده را بکار می‌گیرند. مخالف هیچ کدام از آنها نیستم. موضوع این نیست که کلمات چگونه باید نوشته شوند. اصل و نکته این است که چطور فرهنگ حزب را پاک کرد و موجودات ذی شعور را نجات داد. این بیشترین اهمیت را دارد. بر سر این چیزهای کوچک زیاد بحث نکنید.

مرید: تعدادی از مریدانی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند در پروژه‌های اخیر اصلاح فا که در آنها استاد، مریدان دافا در امریکای شمالی را در برگزاری نمایش سال جدید، هدایت می‌کند، شرکت نکردند. آنها احساس می‌کنند که ممکن است عقب بیفتند.

استاد: خیر، این طور نیست. من از همه‌ی شما نخواستم که بیایید و شرکت کنید. حتی [وقتی که نظری دادم درباره‌ی] فروختن بلیط‌های نمایش، آن به این خاطر بود که شاگردان دلواپس بودند و از من خواستند که چند کلمه‌ای بگویم، من از همه‌ی شما نخواستم بیایید و شرکت کنید. فقط گفتم افرادی از شما که موقعیت‌های مناسب و درستی دارید می‌توانید بیایید کمک کنید. اگر موقعیت‌های شما مناسب نبود، شما نمی‌آمدید. اگر می‌گویید، "من واقعاً اینجا مشغول هستم و نمی‌توانم برنامه‌هایی که به فا اعتبار می‌بخشد را رها کنم،" پس نیایید.

مرید: (استاد: از اسم‌ها چشم‌پوشی می‌کنم). درود به استاد از جانب مریدان دافا در استان جی‌جیانگ! (استاد: متشکرم!)/ تشویق) آیا ملزومات برای مریدان محلی و خارجی متفاوت است؟ یا اینکه مقدار کارما متفاوت است؟ یا مربوط می‌شود به داشتن انواع متفاوت دانش و روابط معین تقدیری؟

استاد: این درباره‌ی داشتن کارمای متفاوت یا ملزومات متفاوت نیست، و قطعاً درباره‌ی ارتباطات تقدیری متفاوت نیست. آن به عهد و پیمان‌های متفاوتی که شما در ابتدا بستید، مربوط می‌شود. مریدان دافا یک بدن هستند، و هر کجا که هستید فرق نمی‌کند- روند اصلاح فاهماهنگ است. اگر تلاش‌هایی برای مقاومت در برابر شکنجه و آزار توسط مریدان دافا در خارج چین که با قدرت، اهریمن را در مقیاس بین‌المللی افشا کرده‌اند، وجود نمی‌داشت، اهریمن، مریدان دافا در چین را، حتی با شدت بیشتر و با حتی مانع کمتری شکنجه کرده بود. تمامی اینها تغییرات بزرگی را فراهم کرده است، و این امور از آنچه مریدان دافا در خارج چین انجام داده‌اند، جدایی ناپذیرند. پس در مورد این سؤال [که شما مطرح می‌کنید]، تنها تفاوت، درخصوص آنچه انجام می‌دهید، است. مشکلاتی که با آنها مواجه می‌شوید، یکی است. ابتدا از لحاظ قلمروهای تزکیه یا سطوح، تفاوتی وجود ندارد.

مرید: تمام شاگردان روسیه به استاد درود می‌فرستند. تعدادی از شاگردان روسیه برای آشکارسازی حقایق دستگیر و زندانی شدند. ممکن است بیورسم شاگردان روسیه باید چگونه این نوع وضعیت و محیط را تغییر دهند؟

استاد: معمولاً هر کجا که مشکلی وجود دارد، آنجاست که مریدان دافا باید بروند و آشکارسازی حقایق کنند، و با قدرت انجام دهند. شاگردان چینی ما عقیده‌ی مشترکی دارند، یعنی، در جامعه‌ی غربی همه چیز با یک اسلوب نظم و ترتیب داده شده‌ای انجام می‌شود. برای امور معینی، باید از پیش وقت گرفته شود، و فرد باید مدت زمان طولانی منتظر بماند تا کارها انجام داده شوند. اما آنچه که مربوط به شکنجه و آزار است بسیار فوری است و چون ما در برابر شکنجه و آزار ایستادگی می‌کنیم، فرصت نیست که امور را در یک چنین روش آهسته و بدون تعجیلی انجام دهیم. شاگردان متوجه شدند که این فایده ندارد. پس بسیاری از شاگردان چینی ما رویکرد و شیوه‌ی خودشان را برگزیدند، به ملاقات خود اشخاص می‌روند، امور را محکم و پیگیر انجام می‌دهند، برای آشکارسازی حقایق تا حد اکثر امکان به پایان رساندن کارها مصمم هستند. البته بسیاری از شاگردان غربی، درحالی که به انجام کارها به شیوه‌ای [دیگر] عادت کرده‌اند، تحمل آن را سخت یافتند. اما آن عملی نیست- واقعاً بکار نمی‌آید. شما نمی‌توانید منتظر بمانید.

موجودات ذی‌شعور درحال شکنجه شدن هستند، و اخلاقیات با سرعت سقوط می‌کند. تعداد افرادی که شما باید نجات دهید درحال کمتر و کمتر شدن هستند، و مشکل‌تر می‌شود. این دلیل آن است که چرا نمی‌توانیم صبر کنیم.

مرید: چرا در مطالب آموزش چینی که قرار است به آینده داده شوند، کلمات ساده‌شده استفاده می‌شوند؟ آیا کلمات ساده‌شده محصول ح‌ک‌چ نیستند؟

استاد: بله، کلمات ساده‌شده در میان جامعه‌ی ح‌ک‌چ پدید بوجود آورده شد. قطعاً این‌طور است. اما، امروز بیش از یک میلیارد نفر در چین از کلمات ساده‌شده استفاده می‌کنند. اگر با استفاده از کلمات سنتی آشکارسازی حقایق کنیم و آنها نتوانند آنها را بخوانند، آن فایده ندارد. این چیزی نیست که بشود یک شبه آن را تغییر داد. وقتی آشکارسازی حقایق می‌کنید آنچه را که مقتضی‌ترین است انجام دهید. مهم نیست که چه نوع نوشته‌ای را مردم امروز بکار می‌برند. تا جایی که بشود با آن، مردم را نجات داد اشکالی ندارد. نجات مردم در بالاترین تقدم است! (تشویق)

مرید: استاد گفته‌اند که مریدان دافا درحالی که از گیتی کهن و اصول فای کهن سر بر آورده‌اند، حیات جدیدی را بدست آورده‌اند. می‌توانیم این را به این مضمون بگیریم که دافا به همه‌ی موجودات فرصتی برای دوباره‌سازی خودشان داده است، فرصتی که بی نظیر و خاص است؟

استاد: کیهان دیگر خوب نیست، و همین در مورد موجودات ذی‌شعور صدق می‌کند. اگر آنها دوباره احیا و نو نمی‌شدند، کیهان از هستی باز می‌ایستاد. وضعیت این است. و این فقط به انسان‌ها محدود نمی‌شود. آنچه که گفتم شامل موجودات الهی، و آسمان‌ها، تا همه‌ی موجودات هم می‌شود- تمامی حیات را شامل می‌شود. در کیهان است که فا درحال اصلاح شدن می‌باشد، نه فقط در دنیای بشری. اما در واقع اصلاح فای حقیقی دنیای بشری هنوز شروع نشده است.

مرید: لطفاً بما بگوئید چه رابطه‌ای است بین تأسیس یک کالج و اصلاح فا؟

استاد: اگر مریدان دافا می‌خواهند کالژی را تأسیس کنند، هیچ اشکالی در انجام آن نیست، به شرطی که شما بتوانید آن را برای اعتباربخشی به فا، آشکارسازی حقایق و نجات موجودات ذی‌شعور بکار گیرید. نکته این است که نگاه کنید و ببینید که آیا این تعهد هیچ ارتباطی با نجات موجودات ذی‌شعور دارد یا نه. و اگر هیچ ارتباطی ندارد، آن وقت در انجام آن فایده‌ای وجود ندارد.

مرید: عناصر بسیاری از فرهنگ حزب را در شیوه‌هایی که هم‌تمرین‌کنندگان امور را انجام می‌دهند، می‌بینم، اما نمی‌دانم این را چگونه به آنها نشان دهم.

استاد: روش‌های فکر کردن و طرح جملات اشخاصی که از سرزمین چین می‌آیند، تا درجات مختلفی، از عادات اجتماعی بدی که توسط ح‌ک‌چ پدید برای مردم سرزمین چین آفریده شده، تشکیل شده‌اند. همانطور که تزکیه می‌کنید بتدریج این چیزها را تشخیص خواهید داد. وقتی افراد چینی سرزمین چین در یک جامعه‌ی عادی زندگی می‌کنند، رفتارهای بد، و عادت‌هایی که دارند به مرور زمان تغییر می‌کند. با این حال، آن چیزها بر تزکیه تأثیر نمی‌گذارند، و آنها نمی‌توانند مانع آن شوند، پس این مشکلی نیست. وقتی که قبلاً در روزهای اول در چین فا را عرضه کردم، بسیاری از افراد همان حالت ذهنی را داشتند، و باز هم آنها می‌توانستند هنوز فا و تزکیه را درک کنند. آن نمی‌تواند مانع شود. برملا کردن فرهنگ اهریمنی حزب برای آشکار کردن طبیعت و ماهیت اهریمنی‌اش است و بگذاریم مردم ببینند که چه چیزی است، ببینند که چطور درحال مسموم کردن مردم چین است، چطور درحال از بین بردن حس وجدان بشر است، و چگونه درحال نابود کردن فرهنگ باستانی چین است. هدف نهایی اهریمن، نابود کردن بشر است.

مرید: آیا کتاب‌های دافا با کلمات سنتی و ساده‌شده در بُعدهای دیگر همان طور هستند؟

استاد: در بُعدهای دیگر آنها در شکل سنتی و یا ساده‌شده نیستند. (حضار می‌خندند) آنها به شکل نوشته‌های بُعدهای دیگر هستند. (حضار می‌خندند) در آسمان‌ها، آنها نوشته‌های آسمان‌ها را دارند.

مرید: وقتی در جلوی چشمانم یک نقطه‌ی طلایی روشن در حال حرکت را می‌بینم، آیا می‌توانم "می‌به" [1] را تکرار کنم؟

استاد: به این شکل خواهم گفت: اگر فکر می‌کنید چیز خوبی نیست، می‌توانید آن را با افکار درست اداره کنید. اما اگر چیز خوبی است، افکار درست شما بر آن تأثیر نخواهد داشت. زیرا [فکر] شما درست است، و اگر آن چیز هم درست باشد، آن تحت‌تأثیر قرار نخواهد گرفت.

مرید: در آینده فقط دافا و زبان چینی وجود خواهد داشت، پس آیا درست است که کودکان متولد شده در خارج از چین به مدرسه نروند و فقط دافا و زبان چینی را مطالعه کنند؟

استاد: از شما نخواستیم که آن کار را بکنید. وقتی، در آینده، فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند، هرگونه که امور در آن زمان هستند، حالت و موقعیتی است به‌سوی آن چه که انسان‌های باقی مانده لازم است حرکت کنند. اگر بگوئید، "می‌خواهم کارهایی را که برای آینده هستند الان انجام دهم،" پس نمی‌توانید آنها را انجام دهید. باید به‌خوبی در انجام چیزهایی که مربوط به کارهایی که در دست هستند تمرکز کنید، که نجات موجودات است. امور آینده بر عهده‌ی مریدان دافا نیست که مراقبت کنند، چراکه در آن زمان، استاد به تنهایی خواهد بود که به امور رسیدگی می‌کند.

مرید: ما در بسیاری از شهرهای بزرگ که توریست‌های زیادی را جذب می‌کند، فعالیت‌هایمان را ادامه ندادیم، زیرا بیشتر تمرین‌کنندگان در نمایش سال جدید چینی، گروه رژه‌ی سرزمین الهی، و برنامه‌های دیگر درگیر هستند. بنابراین تعداد کمتر و کمتری تمرین‌کننده بطور مستقیم در آشکارسازی حقایق درگیر هستند.

استاد: درواقع، اخیراً گروه رژه‌ی سرزمین الهی قطعه‌های جدید را خیلی کم تمرین می‌کنند. بیشتر مواقع اعضای گروه هر کدام به تنهایی فرصتی برای تمرین پیدا می‌کنند، وقت کمی برای تمرین گروهی وجود دارد. در تمامی مناطق این‌گونه است، بنابراین برنامه‌های دیگر را تحت تأثیر قرار ندادیم. در آغاز، وقتی که گروه، تازه تأسیس شده بود، در آن دوره به‌راستی لازم بود زمانی را برای تمرین با هم قرار داد. اما اخیراً [بر برنامه‌های دیگر] به سختی تأثیر می‌گذارد.

مرید: شکنجه و آزار ح‌ک‌چ بر مریدان دافا به فراتر از چین رسیده است، و مواردی بوده است که تمرین‌کنندگان به چین برگردانده شده‌اند.

استاد: وقتی که اهریمن ما را آزار می‌دهد، آن را گزارش می‌کنیم - این مسئله‌ای نیست. ما چیزی نداریم که از آن خجالت بکشیم، آنچه به عموم نشان می‌دهیم پلیدی ح‌ک‌چ است. مریدان دافا توسط اهریمن ترسانده نخواهند شد. مریدان دافا طوفان‌های سختی را از سر گذرانده‌اند، پس چه کسی می‌ترسد؟ اگر حتی مریدان دافای در چین از آن نمی‌ترسند، چه کسی بیرون از چین از آن خواهد ترسید؟ اهریمن را هر کجا که می‌شود افشا کرد، افشا کنید، و هر آنچه را که لازم است گزارش شود، گزارش کنید.

مرید: من، مرید شما، خیلی دلم می‌خواهد فا را از بر کنم، اما بخاطر بسیاری از برنامه‌های در دست، زمان واقعاً بسیار کم است.

استاد: این به شما مربوط است. آن دوراهی همیشه حضور داشته است، زیرا مریدان دافا باید درحالیکه به‌خوبی فا را مطالعه می‌کنند به فا اعتبار بخشند، و بنابراین وقت قطعاً فشرده است. این چالشی است که با آن مواجه هستید. خودتان را به‌خوبی تزکیه کنید و موجودات ذی‌شعور را نجات دهید. بطور حتم، هر دو مهم هستند.

مرید: از زمانی که استاد در سخنرانی ۲۰۰۵ در سان‌فرانسیسکو به ما گفتند که مناطق چینی جای خالی در آشکارسازی حقایق ما بود، در تلاش بوده‌ایم کوشش‌هایی را در جهت انجام آن بکنیم. اما اهریمن امروز هنوز در آنجا وحشی است، و مریدان در منطقه‌ی خلیج سان‌فرانسیسکو بسیار ولولاپس هستند. استاد، لطفاً در مورد این موضوع ما را راهنمایی کنید.

استاد: واقعاً چه تعداد افراد به منطقه‌ی چینی سان‌فرانسیسکو برای آشکارسازی حقایق رفته‌اند؟ اگر شما در آن پافشاری نکرده‌اید و فقط تعداد کمی از افراد درگیر بوده‌اند، مسلم است که چیزها تغییر نمی‌کنند! با وجود بودن آن همه مرید در منطقه‌ی خلیج سان‌فرانسیسکو چرا شما آن منطقه را در تقدم قرار نمی‌دهید و مقداری انرژی را در آن جا صرف نمی‌کنید؟

مرید: مریدان از مناطق مختلف به شما درود می‌فرستند! این درودها از استان لی‌اونینگ شهر فوشان، استان هویی شهر شاشی، شهر یانتی، شهر پویانگ از استان هنان، شهر هی‌فی، شهر بیینگ‌جینان استان هونان، شهرهای جی‌نان، کن‌مینگ، دان‌دونگ از استان لیائونینگ، شهر هانگ‌دوی، استان فوجین، شهر نانگ‌پینگ، شهر مین‌بی، استان گویی‌جو، شهر جویی، شهر پان‌جین، شهر هوایان از استان جینگ‌سو، شهر چانگ‌چان، پکن، تیان‌جین، نان‌جینگ، شهر گوانگ‌جو، شهر گویی‌یانگ، شهر سی‌شوآنگ‌بانا از استان یون‌نان، شهر شن‌یانگ، شهر نیگ‌دو، شهر جنگ‌جو از استان هنان، شهر جی‌لین، هونگ‌دو از شهر نان‌چانگ، شهر جوهای، شهر لای‌یانگ، شهر چن‌جو، شهر هنگ‌یانگ، شهر هنگ‌نان، شهر لوجو از استان سی‌چوان، دانشگاه تیان‌جین و شهر یی‌یانگ از استان هونان.

استاد: از همه متشکرم! (تشویق)

مرید: مریدان دافا با عهد و پیمانی که با استاد بستند به دنیای بشری آمدند. اگر در این حیات زندگی که در توهم بشری به‌سر برده می‌شود، یک مرید راهی را که پیمان بسته بود نپیماید، آیا او هنوز راه تزکیه‌ای را که او را به کمال هدایت می‌کند دارد؟ و مخصوصاً، این بر کودکان چگونه اثر می‌گذارد؟

استاد: اگر موجودی عهد و پیمانش را بشکند، آسمان آن را موضوعی جدی می‌داند. البته، اگر زمانی که مریدان دافا شکنجه و آزار می‌شوند او اهریمن را دنبال نکرده باشد، وضعیتی را که از ابتدا بد بود بدتر نکرده باشد، در شکنجه و آزار مریدان دافا شرکت نکرده باشد، و در ضمن قادر به شناختن دافا بوده باشد، پس حداقل مجاز خواهد بود برای دوره‌ی بعدی باقی بماند. در دوره‌ی بعدی هنوز افرادی وجود دارند که تزکیه خواهند کرد. البته، آنها افتخار و شکوه مریدان دافای دوره اصلاح فا را نخواهند داشت، زیرا این تقوای عظیم، بی‌کران است. وقتی در آینده، فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند، گروهی از مریدان دافا وجود خواهند داشت، اما تزکیه‌ی آنها بسیار سخت خواهد بود، به قدری که حتی کمترین انحرافی در افکار شخص به این ختم می‌شود که فا به آن شخص نشان داده نخواهد شد. بعد از بدست آوردن کتاب، آنها ممکن است هر روز آن را بخوانند و هنوز تزکیه‌کننده نباشند. بنابراین برای آنها استانداردهای بالاتری به‌کار خواهد رفت، زیرا تصویر واقعی همه چیز در آینده نشان داده خواهد شد. به کلامی دیگر، هر چند در آینده سخت خواهد شد، اما فرصت‌ها برای تزکیه کردن هنوز وجود خواهد داشت.

مرید: درخصوص سخنرانی‌های شما در مناطق معین که بطور رسمی از انجمن فالون دافا رد و بدل نشده بود، آیا برای افراد در آن مناطق درست است به تمرین کنندگانی که آنها را بازگو می‌کنند، گوش کنند؟

استاد: بعضی از تمرین کنندگان دوست دارند سعی کنند برجسته باشند، و گاه به گاه با انجام دادن چیزی تازه یا کمیاب، خودنمایی کنند. همانطور که در بسیاری مواقع گفته‌ام. آنچه که در ارتباط با موقعیت‌های خاص یا به تعداد کمی از افراد می‌گوییم، نباید ضبط شود، و نه برای تمرین کنندگان دیگر بازگو شود. هر چند، بعضی افراد درست گوش نمی‌دهند، و در انجام آن پافشاری می‌کنند. آنها خودنمایی می‌کنند، به دافا ضربه می‌زنند و تزکیه‌ی مریدان دافا را گسیخته می‌کنند. شما می‌دانید، در تزکیه برجسته‌ترین علامت که شخص هنوز وابستگی‌های بشری را پرورش می‌دهد این است که او کارهایی انجام می‌دهد که برای اعتباربخشی فا نیست بلکه در عوض برای اعتبار بخشی به خودش است! آن درحال ایفاکردن یک نقش مخرب است. افرادی وجود دارند که اغلب کارها را به اسم استاد انجام می‌دهند، می‌گویند "استاد از من خواست چنین و چنان کار را انجام دهم"، "استاد این و آن را گفت"، یا "استاد از تو خواست این کار یا آن کار را انجام دهی." من هیچ‌وقت از کسی نخواست‌ام این کار یا آن کار را انجام دهد. هر کسی که آن را می‌گوید، به نام استاد درحال پیش بردن کارهای خود است. حتی اگر به کسی تعلیم دادم که عمل مشخصی انجام دهد تا مشکلی حل شود و آن شخص چیزهایی به تمرین کنندگان دیگر بگوید، او هنوز درحال ایفای نقشی مخرب است. کلمات مرا بخاطر بیاورید: هر کسی به نام من چیزهایی بگوید درحال انجام کاری بد است. حداقل، در آن لحظه او مسلماً درحال گفتن چیزهایی است که یک تزکیه کننده نباید بگوید، او درحال خفه کردن دیگران است و به نام استاد خودش را بالا می‌برد. البته، ممکن است از هماهنگ کنندگان اصلی مریدان دافا بخواهم کلمات مرا بازگو کنند، و در آن موارد، من از آنها می‌خواهم که آن کار را انجام دهند.

مرید: تاریخ پنج هزار ساله فرهنگ چین بنایی را برای انسان پی‌ریزی کرد تا فا را درک کند. حالا که روند اصلاح فا به پایانش نزدیک می‌شود، لازم داریم برای تألیف و گردآوری کتاب‌های درسی که فرهنگ حقیقی و استاندارد چینی را آموزش می‌دهد و آنها برای شاگردان ابتدایی و متوسطه و همچنین شاگردان غیر چینی مناسب هستند وقت زیادی بگذاریم.

استاد: فکر می‌کنم که آن باید مشترکاً با تأسیس مدارس به‌عهده گرفته شود و با روشی هماهنگ‌شده انجام داده شود. اگر در میان شما کسی بخواهد آن را انجام دهد و نفر بعدی هم همان کار را بخواهد انجام دهد، منابع انسانی، منابع مادی، و انرژی مصرف کند، خوب، در آخر کار، ممکن است بی‌استفاده باشد و آیا آن را بیهوده انجام نداده‌اید؟ آشکارسازی حقایق و نجات مردم هم اکنون واقعاً یک امر فوری است. مردم آینده باید چیزهایی را که یک بار نبود کرده‌اند دوباره درست کنند، مهم نیست که آن، اهریمن بود که آنها را به انجام چنین چیزهایی کشانده بود، اما آن اعمال بد با وجود این توسط انسان‌ها انجام شد. مردم مجبور خواهند شد اعمال اشتباهی را که زمانی انجام دادند، باطل کنند. پس، هر آن‌گونه مریدان دافا هم اکنون امور را انجام می‌دهند، فقط به انسان یک راه درست برای دنبال کردن را نشان می‌دهند.

مرید: لطفاً به ما کمک کنید اهمیت رقص کلاسیک چینی را درک کنیم.

استاد: از نظر اهمیت، برای صحبت چیز زیادی وجود ندارد. مریدان دافا در نمایش‌هایشان رقص کلاسیک چینی را بکار می‌گیرند. آیا لازم است در اینجا درباره‌ی رقص چینی صحبت کنم؟ (حضار می‌خندند) از آنجا که شما آنها را در اجراهای تان استفاده می‌کنید، چند کلمه‌ای درباره‌ی آن می‌گوییم. "رقص چینی" در واقع اختصاری از رقص کلاسیک چینی است. و البته، رقص چینی شامل رقص محلی، رقص قومی و غیره می‌شود. چرا رقص کلاسیک چینی، رقص کلاسیک در نظر گرفته می‌شود؟ زیرا از چین باستان انتقال داده شد. اما راجع به چیزهایی که انتقال داده می‌شوند، در واقع دو روش وجود دارد: یکی زمانی است که فرهنگ‌های

باستانی دوره‌های مختلف در ژن افراد القا می‌شوند، نوعی تأثیر و طرز رفتار را شکل می‌دهند که با هر حرکت یک موجود بشری همبسته و مربوط می‌شوند، که "طرز رفتار یون"^[۲] نامیده می‌شود؛ مورد دیگر از طریق میراث فرهنگی است، و انتقال فرهنگ می‌تواند از یک طرف به انتقال‌های شفاهی و نوشتاری و از طرف دیگر به انتقال حالت‌ها یا حرکات رقص، تقسیم شود. مناطق مختلف سبک رقص متفاوت دارند، و چیزهایی که در بدن انسان القا شده‌اند به نوبه‌ی خود باعث می‌شوند حالت‌ها و حرکات مردم، یکتایی قومی‌شان را تعیین کنند؛ این به تأثیر و طرز رفتار قومی اشاره می‌کند که در آنچه که یک موجود بشری را می‌سازد وجود دارد. این دلیل آن است که چرا در هر حرکت انجام گرفته توسط یک چینی در مقایسه با یک شخص غربی، تفاوت بزرگی وجود دارد- برای مثال بالابردن بازو یا بلند کردن پا- همین‌طور هم در حالت‌های چهره. در واقع، این "طرز رفتار یون" قومی است، چیزی که به سختی می‌شود یاد گرفت. شما هر حالت رقص یا حرکتی انجام دهید، هر کشیدگی بازوی‌تان و هر حرکت پای‌تان این تأثیر و طرز رفتار را نشان می‌دهد، و این، موضوع و تیم مشترکی است که در تاریخ درگذر است.

در رقص چینی سه جزء اصلی وجود دارد. یون فیزیکی، فرم‌های فیزیکی، و تکنیک. "یون فیزیکی" که رقص چینی تأکید می‌کند در واقع درباره‌ی نشان دادن تأثیر و طرز رفتار قومی از طریق اجرای فیزیکی است. در طی تاریخ هیچ انتقال دادن سازمان‌یافته‌ای از جنبه‌ی شکل فیزیکی رقص چینی وجود نداشت، اما به هر حال تکنیک‌ها انتقال داده شدند، و به‌طور استثنایی خوب. همان‌طور که می‌دانید حرف "وو" در کلمه‌ی "وو شو" (هنرهای رزمی) و حرف "وو" در کلمه‌ی "وو داتو" (رقص) هم‌صدا هستند، که عمده‌تاً توسط خدایان طراحی شد. و در واقع، اگر حرف وو [در وو شو] در زمینه‌ی نرمی به کار برده می‌شد، به رقص اشاره می‌داشت؛ اگر حرف وو [در وو داتو] در زمینه‌ی خشنی به کار برده می‌شد، به هنرهای رزمی اشاره می‌داشت. در سلسله‌های مختلف در تاریخ و در محیط‌های گوناگون، از دربارهای شاهنشاهی گرفته تا محیط‌های شهروندان عادی، در بسیاری از موقعیت‌ها، مثل جشن‌ها و میهمانی‌ها، رقص‌هایی که اجرا می‌شد، توسط سلحشوران انجام می‌شد، که پرش‌ها، چرخیدن‌ها و حرکات معلق زدن را اجرا می‌کردند که مستلزم تکنیک‌های هنرهای رزمی می‌باشد، و آنها شمشیرها، نیزه‌ها، چوب‌دستی‌ها و چیزهایی مانند آن‌ها را در هوا تکان می‌دادند. در مقابل، شکل‌های فیزیکی بیشتر در میان مردم انتقال داده شدند، و آنها بسیاری از عناصر سبک‌های مختلف را شامل می‌شوند. سلسله‌های مختلف نیز رقص‌های درباری خودشان را داشتند، و این عمل هرگز متوقف نشد. اما فقط در سال‌های اخیر بود، که مردم شروع کردند بطور سازمان‌یافته‌ای رقص چینی را استاندارد کنند و یادگیری و آموزش رسمی رقص چینی را بنا نهادند- یعنی، آموزش رقص چینی به سبکی سازمان‌یافته. اما، این [شکل رقص] مسلماً در زمان‌های اخیر به‌وجود نیامد.

رقص چینی یک سیستم کامل آموزش خود برای کارآموزده کردن مبانی را دارد. تمرین‌هایی شبیه آن‌هایی که در باله وجود دارند را دارد، مثل آن تمرین‌هایی که با گرفتن میله‌ها سر و کار دارد یا آن تمرین‌هایی که بر روی زمین انجام می‌شوند. در ضمن، آن، یون فیزیکی، شکل‌های فیزیکی و تکنیک‌ها را نیز دارد. یون فیزیکی رقص کلاسیک که امروزه سرزمین چین استفاده می‌کند، توسط سیستم فرهنگ حزبی محدود شده است، و درک در آنجا در واقع بسیار سطحی است. یون فقط درباره‌ی حرکات رقص که در ظاهر دیده می‌شود نیست؛ آن اساساً درباره‌ی کیفیت‌های درونی آن قومیت است. به‌طور نمونه، وقتی یک غربی و یک شخص چینی، دو فردی که هرگز قبلاً رقص یاد نگرفته‌اند، با هم شروع به یادگیری رقص چینی می‌کنند، آنها قطعاً تأثیر و طرز رفتار متفاوتی را به نمایش خواهند گذاشت. چیزهایی که از طریق قومیت شخص انتقال داده می‌شود در استخوان‌ها و در وجود شخص است. تکنیک‌های پیشرفته در رقص چینی، شامل معلق زدن، پریدن‌ها، و چرخیدن‌هایی است که از انجام باله، سخت‌تر هستند، و مهارت تکنیکی بزرگ‌تری را نسبت به باله ایجاب می‌کند. رقص چینی از لحاظ حوزه، وسیع‌تر است، و به مراتب حرکات بیشتری دارد.

باله فقط چند حرکت دارد، و اگر بخواهید یک حرکت دیگر به آن اضافه کنید، حرکت باله نخواهد بود. بنابراین نمی‌تواند تغییر داده شود. در مقابل، رقص چینی آن قدر حرکات زیادی دارد که برای رقص چینی، به تصویر کشیدن هر شخصیتی نسبتاً آسان است. تمام آنها می‌تواند انجام شود، بدون توجه به اینکه کدام شخصیت، موقعیت، یا محیطی باشد که باید در رقص به تصویر کشیده شود.

این یکی از نقطه قوت‌های آن است، و خلق آن نسبتاً آسان است. از سوی دیگر، با باله، بخاطر مقدار کم حرکاتی که دارد، بدست آوردن یک ترکیب جدید، بسیار سخت است - همه‌اش همین است - و وقتی فراتر از آن بروید، دیگر باله نیست. از آنجا که رقص چینی وسیع است و بسیار ظرفیت و گنجایش دارد، نسبتاً آسان‌تر است که چیزی خلق کرد. بنابراین، آن یک مزیت برای مریدان دافا است وقتی در نمایش‌های سال نو چینی، رقص چینی را به کار می‌گیرند. بیشتر اینکه، چین پنج هزار سال تمدن داشته است، بنابراین هر داستان و هر چیزی می‌تواند انتخاب شود و بر صحنه به تصویر کشیده شود. آن، منبع بی‌کران بی‌پایان مطالب را فراهم می‌کند. آن فرهنگ ملال آور خسته‌کننده ح‌ک‌چ اهریمنی چه ارزشی دارد؟ سال گذشته، ح‌ک‌چ اهریمنی به قصد مداخله با اجراهای مریدان دافا، پول زیاد و افراد زیادی را برای فرستادن بیش از شصت گروه اجرا کننده‌ی هنر به سراسر دنیا، تلف کرد، شهرفرنگی از مسخرگی را نمایش دادند، و نمایش‌های خشن و مبتذل‌شان برای هیچ کسی جالب توجه نبود. آنها مجبور بودند به مردم پول بدهند که بروند نمایش‌های‌شان را تماشا کنند، و با این حال مردم باز هم آنها را به تمام و کمال و بدون هیچ پایانی طعنه زده و استهزا کردند. آنها میلیاردها را بر باد دادند و با شکست کامل به خانه برگشتند. و بسیاری از اجرا کنندگان از فرصت برای پنهان شدن استفاده کردند. در گروه‌های مختلف هنرهای نمایشی، به خاطر نابرابری در توزیع اجرت، جنگ و دعوای پلیدی وجود داشت، این کار هزینه‌ی سنگینی بر آنها تحمیل کرد چراکه هیچ‌کس نمی‌خواست نمایش‌های آنها را ببیند، و حضار فحش و توهین کم آوردند که نثار آنها کنند. تمام نمایش‌ها با عادت‌های بد گرفته شده از فرهنگ حزب، به شدت آلوده شده بود، بنابراین حزب پلید در حال انجام هیچ‌کاری جز چرخاندن چرخ خود نیست. (تشویق)

مرید: نمایش تماشایی سال جدید چینی در نجات موجودات ذی‌شعور نقش مهمی را ایفا کرده است. بعضی از تمرین‌کنندگان گفتند که برای نجات موجودات ذی‌شعور و اینکه افراد بیشتری بتوانند بیابند و نمایش ما را ببینند، می‌توانیم قیمت‌های بلیط را کاهش دهیم و از ضرر مالی که به نمایش می‌خورد، صرف‌نظر کنیم. آیا چنین فکری درست بود؟

استاد: خیر، درست نبود. شما مجبور بودید قیمت‌ها را کاهش دهید یا بطور مجانی بلیط‌ها را بدهید زیرا به‌خوبی عمل نکردید، آنچه که لازم بود را به انجام نرسانید، راه دیگری نداشتید، و با مشکل قریب‌الوقوعی روبرو شدید. این دلیل آن بود که چرا آن‌طور انجام داده شد. آن نتیجه‌ی خوب عمل نکردن شما بود.

مرید: وقتی حقایق را روشن می‌کنم، دریافته‌ام که برای بعضی از چینی‌های در خارج، قبول حقیقت سخت‌تر است تا آنهایی که در چین زندگی می‌کنند.

استاد: قبلاً این‌طور بود، اما دیگر این‌طور نیست. نسل پیرتر چینی‌های خارج که سرزمین چین را پیش‌تر ترک کردند درست در زمانی به آن کشورها وارد شدند که در دنیا بلوک حزب پلید و کشورهای دنیای آزاد در مقابله با هم بودند. کشورهای بلوک حزب پلید، و حتی مردمان‌شان، در چشمان دیگران واقعاً حقیر شمرده می‌شدند. این به‌خاطر این نبود که آن افراد از کشور متفاوتی بودند، بلکه به‌خاطر اینکه چین، جامعه‌ای بود که توسط حزب پلید حکومت می‌شد، این باعث تحقیر شدن مردم چین شد. هر زمان که موضوع چین مطرح می‌شد، هیچ‌کسی نظر موافقی نداشت، زیرا چین مترادف حزب کمونیست پلید بود. بنابراین، بعضی از افراد مسن در خارج از چین، احساس شرم‌ساری و حقارت می‌کردند. وقتی چین قوی و مساعد است خوشحال هستند، و این در نتیجه‌ی عدم توانایی آنها در متمایز ساختن ح‌ک‌چ از چین است - این یک حالت پیچیده‌ی ذهن است - اگرچه آنها لزوماً نسبت به ح‌ک‌چ نظر موافقی ندارند. اگر امروز چین زیر سلطه‌ی ح‌ک‌چ نبود و دولتی طبیعی داشت، و اگر هم‌زمان قوی و مساعد بود، البته آنها خوشحال می‌بودند. ما باید تشخیص دهیم که برای آنها، مسئله‌ی اصلی، کجا نهفته است. وقتی حقیقت را توضیح می‌دهیم، لازم است مشخص کنیم مانع در ذهن شخص کجاست.

مرید: بعضی از نمایش‌ها که مستقیماً دافا را شرح می‌دهد در نمایش‌های تماشائی سال جدید چینی در نیویورک تغییراتی کرد. آیا این به این خاطر بود که مریدان افکار درست قوی نداشتند، یا تماشاچیان نمی‌توانستند آن چیزها را قبول کنند؟

استاد: تغییرات در برنامه، چیزهای کوچک بودند. اگر چیزی آن قدر مناسب نباشد، آن وقت باید تغییر داده شود. مزاحمت وجود داشت، که همه‌ی آن از جانب مأموران مخفی حزب پلید آمد. آنها سعی کردند که با من مزاحمت ایجاد کنند، اما عاقبت بی‌نتیجه بود. اگر من بخواهم کاری انجام دهم، هیچ‌کسی نمی‌تواند بر آن تأثیر بگذارد، هر چقدر هم که تلاش کند. (تسویق) پس اغلب به مریدان دافا گفتم: شما باید به آنچه انجام می‌دهید روشن و آگاه باشید. شما می‌توانید به پیشنهادات دیگران گوش دهید و اعتنا کنید، اما اگر در حال پیمودن راه درست هستید، نباید پیوسته به جلو و عقب نوسان کنید.

ضمناً، ما بلیم به شما چیزی را بگوییم. شما همگی می‌دانید که در طی این سال‌ها وقتی که ح کج پلید در حال شکنجه و آزار مریدان دافا بوده است، خواه این بعضی از مأموران ح کج که رفتار زشت و پلیدی در اینترنت به نمایش می‌گذاشتند، بود یا ح کج پلید در رسانه‌ها دروغ‌هایی سرهم می‌کرد، مداوماً از من بدگویی می‌کردند و هر نوع دروغی را می‌یافتند. البته، همه‌ی آنها از بدترین نوع گناهان بودند، آن گناهی که، غیرممکن است بتوانند جبران کنند؛ این را در آینده خواهند فهمید. اما من هرگز به هیچ‌یک از آنها گوش نکرده و نگاه نکردم. آیا آن را متوجه شدید؟ من به هیچ‌وجه به آن وبسایت‌ها نگاه نکردم - آیا این را باور می‌کنید؟ (تسویق) می‌دانستم که آنها به من بدگویی می‌کنند، اما من هیچ علاقه‌ای نداشتم که بدانم به چه نامی مرا خطاب می‌کردند. و البته، تمرین کنندگان خودشان دل آن‌را نداشتند که با من مطرح کنند، پس هیچ‌کسی آن چیزها را برای من تکرار نکرد. (خضار می‌خندند) چرا من بخواهم به آن چیزها نگاه کنم؟ آن چیزها نمی‌توانند مرا تکان دهند. من می‌دانستم که چه می‌خواهم انجام دهم، و آغاز و پایان این کار را می‌دانستم، و آن بس بود! (تسویق) و در مورد این روند میانی، من به تمامی تغییرات گوناگونی که رخ می‌دهد، اهمیت نمی‌دهم، هر چه که باشند. تا جایی که مریدان دافای من به درستی در حال پیمودن راهشان باشند و من مطمئن باشم هیچ مشکلاتی وجود ندارد، این همه‌ی آن چیزی است که درباره‌ی آن نگرانم. (تسویق)

مرید: استاد در نوشته‌ی جدید گفتند که خدایان مداخله‌گر در سه قلمرو را که دستی در مزاحمت و مداخله با اصلاح فا دارند کاملاً نابود کنید. "خدایان مداخله‌گر" به چه اشاره دارد؟

استاد: خدایان مداخله‌گر... نیروهای کهن و تمام آنچه که بطور منفی بر دافا تأثیر دارند، خدایان مداخله‌گر فرض شده‌اند. (تسویق)

مرید: مذاهب رسمی در تاریخ دیگر نمی‌توانند برای تزکیه راهنما باشند، و حالا آنها در حال مداخله و مزاحمت با اصلاح فا هستند. پس، آنها را چگونه باید در نظر بگیریم؟

استاد: درباره‌ی آنکه چگونه باید با آنها روبرو شد صحبت کرده‌ام. شما نباید با مذاهب برخورد مستقیم بکنید، زیرا ما به آنچه در ذهن مردم است تمرکز و توجه داریم. اگر فردی بخواهد تزکیه کند، آن وقت [درباره‌ی دافا] با او صحبت کنید؛ و اگر بخواهد به واقعیت‌ها گوش کند، آن وقت آنها را برایش توضیح دهید، و آن کافی خواهد بود. کار خاصی لازم نیست که انجام شود، و لازم ندارید که بدنال این گروه بگردید. فقط منتظر آنها بمانید تا به طرف شما بیایند. گفته‌ام که همه‌ی موجودات می‌آیند و به حقیقت گوش می‌دهند، زیرا رفتار آنها نسبت به دافاست که مشخص می‌کند که آیا آنها باقی می‌مانند یا نه. چرا آن خدایان مداخله‌گری که عمل کنترل مذاهب را انجام می‌دهند باید پاک‌سازی شوند؟ زیرا افراد در آن [مذاهب] باید موضعی را اختیار کنند، و آن خدایان مداخله‌گر به آنها اجازه نمی‌دهند و از آنها فرصت‌های نجات یافتن را می‌گیرند، پس باید جاروب شوند. و این بخاطر این است که آنها در حال از بین بردن موجودات ذی‌شعور هستند. علی‌رغم این واقعیت که آنها مثل خدایان ظاهر می‌شوند، بسیاری موجودات [با پیوستگی

مذهبی] حتی از سطوح بالاتری [نسبت به آن خدایان]، باز پیدا شده و بشر شدند. آنها آن قدر بالاتر از آنها هستند که آنها [خدایان مداخله‌گر] ارزش این را ندارند که آن افراد را از بین ببرند. پس آن خدایان مداخله‌گر باید پاک‌سازی شوند و به تمام موجودات فرصت تعیین موضع داده شود.

مرید: درود، استاد! من یک مرید دافا از پکن هستم. قبل از اینکه چین را ترک کنیم، بسیاری از مریدان دافا در پکن مرتباً به ما یادآوری کردند که اگر ما استاد را دیدیم درودهای‌شان را برسانیم! برای استاد بسیار دل‌مان‌تنگ است. امروز بالاخره فرصتی داریم تا آنچه را که آنها به‌عهده‌ی ما گذاشتند که انجام دهیم به انجام برسانیم، پس از جانب آنها، به استاد سلام می‌کنم و درود می‌فرستم! درود بر استاد! درود بر استاد!

استاد: متشکرم! (تشویق) از مریدان دافا در پکن تشکر می‌کنم! این طور نیست که مریدان دافا در پکن به‌خوبی کار نمی‌کنند. همان طور که می‌دانید، بیشترین تعداد نیروهای اهریمنی در پکن جمع شده‌اند، پس از نظر مؤثر بودن آشکارسازی حقایق و وضعیت تمرین‌کنندگان، امور در آنجا قطعاً کندتر از مکان‌های دیگر است. این بدین خاطر نیست که تمرین‌کنندگان کمبود دارند، بلکه این طور است که نیروهای اهریمنی آنجا بیشتر هستند و در آنجا بیشتر تمرکز دارند. از نقطه‌نظر از بین بردن جامع تعداد بیشتر و بیشتر اهریمن، مریدان دافا در پکن در مقایسه با مریدان در مکان‌های دیگر عقب‌تر نمی‌افتند و کمبود ندارند. قطعاً این‌طور است. (تشویق)

مرید: مریدان دافا در اوساکا، ژاپن بر استاد بزرگ‌مان درود می‌فرستند! استاد، شما سخت کار کرده‌اید! من از عدم توانایی‌ام در رهایی از حس منیت در غصه بوده‌ام، که باعث تأخیر در نجات دادن موجودات شده است. به جز بیشتر مطالعه کردن فایده‌ها، چه کار دیگری می‌توانم انجام دهم تا ملزومات برای یک مرید دوره‌ی اصلاح فایده‌ها را فراهم آورم؟

استاد: از آنجا که می‌دانید به اندازه‌ی کافی به‌خوبی عمل نکرده‌اید، فقط جبرانش کنید و موافق ملزومات رفتار کنید. سه کار مریدان دافا باید به‌خوبی انجام داده شود. در حال حاضر، مهم‌ترین کار نجات موجودات ذی‌شعور است، نجات افراد بیشتر! این مهم‌ترین چیز است.

مرید: مریدان از کالیفرنیا به استاد هه‌شی می‌کنند! استاد، لطفاً بما بگوئید که آیا ما هنوز باید دانشگاه رنسانس را تأسیس کنیم؟ آیا علم پزشکی آینده، بخشی از تزکیه است؟

استاد: اینکه دانشگاه تأسیس شود بستگی به این دارد که آیا اوضاع مساعد است. [شما درباره‌ی] علم پزشکی آینده [می‌پرسید]؟ حتی علوم پزشکی کنونی به‌نظر می‌رسد، تزکیه نباشد. (مریدان می‌خندند) مریدان دافا درحالی که در هر شغلی کار می‌کنند می‌توانند تزکیه کنند، اما آن مشاغل به‌خودی‌خود تزکیه نیستند.

مرید: درود، استاد! مریدان از شهر هاربین بر استاد درود می‌فرستند!

استاد: از مریدان هاربین تشکر می‌کنم.

مرید: از این نظر که اپک تایمز انگلیسی اخیراً چگونه کار کرده است، ممکن است استاد مقداری راهنمایی کنند؟

استاد: این موارد به اینکه چگونه امور را اداره می‌کنید مربوط می‌شود. می‌پرسید، چرا مشکلاتی وجود داشته است؟ این آن چیزی است که من باید از شما بپرسم. (استاد می‌خندد) (مریدان می‌خندند) شما منابع انسانی، مادی و مالی کمی دارید، بنابراین چالش‌ها قطعاً تشویش‌آور هستند. به هر حال، اپک تایمز چینی نیز در اوایل با این چیزها مواجه بود، و آن‌ها را برطرف کرد- با سختی‌ها نبرد کرد و موفق شد. می‌توانید استفاده‌ی بیشتر از آن تجربیات و یاد گرفتن از آن‌ها را در نظر داشته باشید. هر چند، مسائل خاص اینکه چگونه روزنامه را بگردانید هنوز به شما مربوط است. درست مثل این می‌ماند که سر در بیاورید که چگونه به خوبی تزکیه کنید.

مرید: چند وقت پیش، وبسایت مینگ‌هوپی به مقاله‌ای یادداشتی اضافه کرد، می‌گفت که مریدان بطور مداوم باید بهترین تلاش‌شان را بکنند یا غیرتمرین‌کنندگان یا تمرین‌کنندگان جدید ازدواج نکنند. یک مرید دافای تایوانی می‌خواهد برای یک مرید دافا از سرزمین چین درباره‌ی این مطلب بپرسد.

استاد: آن مقاله توسط یک مرید دافا نوشته شده بود، و آنچه مریدان دافا می‌نویسند قابل بحث و تبادل نظر است. این‌طور نیست که فا از شما چیزی را خواسته است، و نه اینکه به یک شیوه‌ی معینی باید اداره شود. استاد آن را نگفت، و فا آن را درخواست نمی‌کند. اما، وقتی مریدان دافا امور را انجام می‌دهند، برای آنها عاقلانه است که درباره‌ی آن بیشتر فکر کنند. بالاخره، شما یک مرید دافا هستید، پس شما باید در برابر تزکیه‌تان مسئول باشید، و باید در برابر محیطی که مریدان دافا دارند مسئول باشید. بنابراین، فکر می‌کنم که اگر بتوانید بر این اساس انجام امور را در نظر بگیرید، خواهید دانست که آیا امور معینی باید انجام شوند یا نه، و اگر باید انجام شوند، چگونه باید انجام شوند. اگر خودتان را مقدم بدانید، به احتمال زیاد، بسیاری از امور خوب انجام نمی‌شوند، و مشکلات سر بر می‌آورند. اگر شما واقعاً بخواهید نسبت به دافا و تزکیه‌ی خودتان مسئول باشید، امور را به خوبی انجام خواهید داد.

مرید: در زمان فرستادن افکار درست باید کار کنم. آیا تأثیر خواهد داشت اگر در حین کار کردن افکار درست بفرستیم؟

استاد: تحت موقعیت و شرایط خاصی، یعنی، جایی که شما واقعاً نمی‌توانید آنچه را که در حال انجام دادن هستید به کنار بگذارید، می‌توانید کارتان را تمام کنید و سپس افکار درست بفرستید. ممکن است بگویید، "درحالی‌که افکار درست می‌فرستم، کار می‌کنم،" اما انجام آن بسیار سخت است، واقعاً سخت است. وقتی که شما در محیط مردم عادی کار می‌کنید، لازم نیست که حتماً حالت‌های دست را بکار ببرید، چون دیگران ممکن است آن را درک نکنند. اگر فقط با سکوت در آنجا بنشینید خوب است، زیرا برای اهداف فرستادن افکار درست، استفاده از ذهن کافی است. اگر هم‌زمان در حال کار کردن هستید، قطعاً نمی‌توانید فرستادن افکار درست را به خوبی اداره کنید. اگر بگویید که واقعاً نمی‌توانید (کار را متوقف کنید)، آن وقت اشکالی ندارد که به کارتان ادامه دهید و آن را بعداً جبران کنید. اما با وجود اینکه این را گفتم، وقتی که مریدان دافا در سراسر دنیا هم‌زمان با یکدیگر افکار درست می‌فرستند، قدرتش بی‌انتهاست. پس، اگر هر شخص قادر می‌بود این موضوع را با افکار درست بسیار قوی اداره کند و آن را از ابتدا به خوبی انجام می‌داد، آن وقت شاید هیچ اهریمنی هم اکنون باقی نمانده بود. دقیقاً بخاطر اینکه بسیاری از تمرین‌کنندگان با این چیز یا چیز دیگر مورد مزاحمت و مداخله قرار گرفته بوده‌اند است که آن به خوبی انجام داده نشده است.

مرید: الان ساعت سه و نیم بعد از ظهر است، و استاد نزدیک به دو ساعت است که در حال آموزش فا بوده‌اند. مریدان از استاد دعوت می‌کنند که کمی آب بنوشند.

استاد: یک کمی دیگر. (تشویق)

مرید: مریدان دافا برای کمک به مرید دیگری که در بستر مرگ است، چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

استاد: بهترین چیز این است که برای او فا را بخوانید. اما راجع به اینکه آیا او در این لحظه قرار است برود یا نه، تماماً به او مربوط است. همچنین، راجع به مریدان دافای من که در نتیجه‌ی شکنجه و آزار کشته شدند یا بخاطر اینکه توسط نیروهای کهن در این دوره‌ی زمانی از این دنیا رفتند، همه آنها به کمال رسیده‌اند. (تسویق) چرا به این شیوه حل می‌گردد؟ شما می‌دانید که تمامی کیهان بطور جدی و مشتاقانه‌ای درحال تماشای این اصلاح‌ها هستند، و سه قلمرو به خاطر اصلاح فا آفریده شد. تمامی موجودات در طی دوره‌ی طولانی تاریخ، تماماً برای اصلاح فای امروز در انتظار بودند. تک‌تک امور که امروز در دنیای بشری رخ می‌دهد واقعاً مهم هستند! و همه‌ی وقایعی که ربط مستقیم به دافا، اصلاح فا، یا مریدان دافا دارند مخصوصاً مهم و پرمعنی هستند. اگر کسی در این زمانه‌ای که شکنجه و آزار درحال رخ دادن است شهامت دارد که بگوید "فالون دافا خوب است" - فقط بر اساس این یک بیان از روی قلب، و بدون انجام دادن هیچ کار دیگری - این شخص واقعاً به مکان اصلی خود برخواهد گشت! (تسویق) چرا این طور است؟ در مدت این دوره‌ی زمانی و در میان یک محیط اهریمنی، او هنوز جرأت دارد به فا اعتبار بخشد، پس او قطعاً یک موجود الهی خواهد شد. هر کسی که حتی، یک نوع عمل کوچک یا یک چیز بسیار کوچک خوب برای مریدان دافا در طی این دوره‌ی زمانی شکنجه و آزار انجام دهد، قطعاً یک موجود الهی خواهد شد! (تسویق) به این خاطر که این اساسی‌ترین و مهم‌ترین لحظه در تاریخ است، و خدایان بطور جدی درحال تماشای هر فکر در ذهن تک‌تک موجودات هستند. موجودات غیرقابل شمارش و بی‌شماری در کیهان درحال تماشا کردن مردم دنیا هستند. در هر ذره‌ی هوا چشم‌هایی وجود دارد - هوا مملو از آنهاست که درحال تماشا کردن همه چیز هستند، هر یک ذره جابجایی [در افکار و رفتار] موجودات در این مکان را می‌بینند. زیرا این مکان اینجا نقطه‌ی کانونی اصلاح فا است، و [اموری که در اینجا اتفاق می‌افتند] بر آینده‌ی تمام موجودات کل کیهان اثر می‌گذارد. چشمان انسان نمی‌تواند این چیزها را ببیند، پس به نظر آنها می‌رسد که چیز مهمی درحال رخ دادن نیست. اما خدایان بی‌شماری، تعداد بی‌سابقه‌ای از آنها با جدیت و دقت درحال تماشا کردن سه قلمرو هستند. اگر یک انسان واقعاً بتواند این را ببیند، آن را تماماً وحشتناک خواهد یافت. حتی یک فکر که شخص دارد و یک ایده که از ذهن او می‌گذرد نیز، از زیر چشمان خدایان بی‌شمار در نمی‌رود. پس هر آنچه یک شخص در این دوره‌ی زمانی انجام می‌دهد، آینده‌ی خودش را تعیین و مشخص می‌کند. پس در مورد یک مرید دافا، کسی که کارهای بسیاری انجام داده است که مریدان دافا باید انجام دهند، درباره‌ی این فکر کنید: پس، او باید از کجا سر در آورد؟ آیا [آن نوع فردی که در بالا به آن اشاره شد] فقط به حساب اینکه یک مرید دافا بود تا حد مرگ شکنجه نشد؟ آیا او یک مرید دافا نیست؟ نه تنها او به کمال دست خواهد یافت، بلکه تمامی افتخار و شکوهی که یک مرید دافا باید داشته باشد را دریافت خواهد کرد. (تسویق)

حالا که بر سر این موضوع هستیم، چیزی به ذهنم آمد. ما تمرین‌کنندگان معینی داریم که نمی‌توان کاملاً گفت که جاسوس هستند، اما کارهایی که شما انجام داده‌اید واقعاً بسیار بد هستند. شما هنوز می‌خواهید تزکیه کنید، اما کارهای بدی که قبلاً انجام داده‌اید توسط ح‌کچ مورد استفاده قرار می‌گیرد، که در عوض، آن اطلاعات را برای تهدید و ترساندن شما به کار می‌گیرد. شما می‌ترسید که همین که ح‌کچ شما را برملا کند، مریدان دافا با شما بطور متفاوتی رفتار خواهند کرد. شما می‌ترسید که استاد به گونه‌ای متفاوت با شما رفتار کند. درواقع من خیلی وقت پیش درباره‌ی شما می‌دانستم! به خاطر آن [ترس]، شما کارهایی را برخلاف تصمیم و اراده‌ی خودتان انجام می‌دهید که اهریمن می‌خواهد شما انجام دهید. از یک طرف می‌خواهید که یک مرید دافا باشید، اما از طرف دیگر همین طور به انجام کارهای بد ادامه می‌دهید. پس شما به من بگویید، چگونه باید با شما رفتار کنم؟ هم اکنون فقط دو انتخاب دارید. شما می‌توانید مصممانه حقیقتاً تزکیه کنید، که در این صورت، آن وقت شما یک مرید دافا هستید و هر آنچه که انجام داده‌اید، تقوای عظیم شما خواهد شد؛ یا، می‌توانید طرف اهریمن را بگیرید، در این صورت هر آنچه انجام داده‌اید بیهوده خواهد بود و کارهایی خواهد شد که شما انجام دادید تا ردپای خود را بپوشانید. من این موضوع را قبلاً بسیار روشن ساخته‌ام. از این گذشته، بگذارید به همگی شما بگویم که در آینده‌ای نه چندان دور تک‌تک افرادی که این گونه باشند، زمان و فرصتی به آنها داده نخواهد

شد. وقتش به زودی فرا خواهد رسید! بزودی اتفاق خواهد افتاد. در بیان بشری "مکافات" نامیده می‌شود، و آن قریب‌الوقوع است. اما هر آنچه هم که قبلاً گفتیم، در مورد افراد معینی فقط از این گوش می‌آید و از گوش دیگر می‌رود. اینکه بخواهید آن را باور کنید یا نه، در این لحظه‌ی مهم تاریخی، [تصمیم شما] موضوع کوچکی نیست. شما فا را خوانده‌اید. چه راهی را باید برگزینید؟ باید بیشتر درباره‌اش فکر کنید و خودتان تصمیم بگیرید!

مرید: ما چگونه باید کودکانمان را در تزکیه‌شان هدایت کنیم؟

استاد: آیا به‌عنوان مریدان دافا، واقعاً لازم دارید که به شما گفته شود که چه کار کنید؟ اگر کودک شما هنوز نمی‌تواند تمرین‌ها را انجام دهد، باید برای او فا را بخوانید و به او آموزش دهید آوازهای مریدان دافا را بسراید. کودکان بسیاری از مریدان دافا می‌توانند هونگ بین را از بر بخوانند. بعضی از آنها از زمان کودکی بسیاری از شعرها را از حفظ می‌خوانند. آنها واقعاً کودکان خوبی هستند.

مرید: تمرین‌کنندگان معینی از دافا در سرزمین چین، بعد از آنکه توسط اهریمن شستشوی مغزی شدند، به اهریمن در شکنجه و آزار مریدان دافا که در زندان بودند کمک کردند، باعث آن شدند که مریدان ناقص شوند. اعضای خانواده‌ی قربانیان می‌خواهند علیه آنها اقدامی دعوی جراحات شخصی بکنند. استاد، لطفاً به ما بگویید چگونه آن را اداره کنیم؟

استاد: مردم عادی البته روش‌های خودشان را برای انجام دادن آن دارند. اگر کسی از طریق شکنجه کسی را ناقص کرده است، البته بخش ستم‌دیده او را تعقیب خواهد کرد. در تزکیه، انسان‌ها هستند که تزکیه می‌کنند، نه خدایان. اگر کسی در میان انسان‌ها مرتکب جنایت شده است، او البته که باید برای آن بپردازد. ولی از طرف دیگر، اگر [فرد شستشوی مغزی شده] بتواند دوباره واقعاً تزکیه کند و بطور استوار و محکم تزکیه کند، این امکان هست که بسیاری چیزها تغییر داده شود. گفته‌ام که همه چیز در اینجا به خاطر فا است، و اینکه، این قبل از هر چیز است. اما اگر نتوانید امور را به‌خوبی انجام دهید و اگر نتوانید ملاک‌ها را برآورده سازید، آن‌وقت شما یک فرد عادی هستید. و به‌عنوان یک فرد عادی، باید با واقعیت‌هایی که افراد عادی با آن روبرو می‌شوند مواجه شوید.

مرید: مریدان در سن دیه‌گو به استاد درود می‌فرستند! استاد، مریدان دافا در مورد موج علاقه به یادگیری زبان چینی در حال حاضر چه باید بکنند؟ آیا کارکردن بر آموزش زبان چینی، بقیه‌ی برنامه‌های دیگر را که به فا اعتبار می‌بخشد تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؟

استاد: همین طور است، مریدان دافا می‌دانند که آمریکایی‌ها درک درستی از چیزهای ح‌ک‌چ ندارند. آمریکایی‌ها علی‌رغم داشتن منازعه و مجادله سالیان دراز با حزب اهریمنی کمونیسم، هنوز فرهنگ حزب را درک نمی‌کنند. کتاب‌های درسی جاری ساخته شده توسط ح‌ک‌چ [پر از] فرهنگ حزب است. اگر مردم، با استفاده از کتاب‌های درسی از سرزمین چین، چینی را یاد بگیرند، آیا آنها به شکل افراد فرهنگ اهریمنی حزب در نمی‌آیند؟ مریدان دافا این را بسیار واضح می‌بینند، پس فکر کردند، "آیا می‌توانیم کتاب‌های درسی را فراهم کنیم و آنها را قابل دسترس برای مؤسسه‌های آموزشی آمریکایی قرار دهیم؟" در این مورد کتاب‌های درسی باید توسط اداره آموزش و پرورش ایالات متحده مورد قبول واقع شود. با شکست در آن، مورد استفاده قرار نخواهند گرفت حتی اگر آنها را بوجود آورید. اگر احساس می‌کنید که می‌توانید آن را بدست آورید، پس بروید دنبالش، و اگر نمی‌توانید، پس نتیجه کمی دربر دارد اگر نتواند انجام داده شود.

مرید: هنگام تبلیغ بلیطها برای نمایش‌های تلویزیون سلسله‌ی جدید تانگ، مریدان عبارت مختصر "تویی" را برای "تبلیغ" بلیطها برگزیدند. ولی در چینی این کلمه معنی شبیه اصطلاحی به معنی "برگشت دادن برای استرداد" (تویی) را می‌دهد. افراد مطمئن نبودند که آیا این اثر منفی نخواهد گذاشت.

استاد: اثر منفی وجود ندارد. اما چون "تبلیغ" بلیطها و "برگشت دادن" بلیطها برای استرداد هم‌صدا هستند، بگذارید فقط عبارت را عوض کنیم. بیابید دیگر نگوئیم "تبلیغ بلیطها" و آن را در عوض "فروش بلیطها" (مای) بنامیم - آیا این مشکل را حل نمی‌کند؟ (حضار می‌خندند) حقیقت است - [شما می‌گویید،] "تبلیغ بلیطها، تبلیغ بلیطها،" و در ابتدا نمی‌توانستم بفهمم که آیا شما در حال "تبلیغ بلیطها" بودید یا "پس گرفتن بلیطها برای استرداد". آن را "فروش بلیطها" بنامیم خوب است، مگر نه؟ (حضار می‌خندند)

مرید: سازمان‌های رسانه‌ای مثل تلویزیون سلسله‌ی جدید تانگ و اپک تایمز نقش بی‌سابقه‌ای را در اصلاح فا ایفا کرده‌اند. چه کار می‌شود انجام داد تا سازمان‌های رسانه‌ای ما بتوانند از لحاظ مالی روی پای خودشان بایستند، و نگرانی مالی نداشته باشند؟

استاد: این به شما بستگی دارد. در مورد این چیزها بارها صحبت کرده‌ام، اما همیشه این احتیاج وجود خواهد داشت که افراد کارهایی مثل ملاقات مشتری بالقوه و انجام دادن فروش و بازاریابی را انجام دهند. چون شما مریدان دافا هستید، هر چه که از شما خواسته می‌شود که انجام دهید - خواه نوشتن مقالات باشد، پخش مطالب باشد، یا رفتن به خیابان‌ها - می‌توانید آن را به‌خوبی انجام دهید. اما به‌نظر می‌رسد که اگر از شما خواسته شود مشتری‌های بالقوه را ملاقات کنید و فروش و بازاریابی را انجام دهید، شما نمی‌خواهید آن را انجام دهید.

مرید: در سخنرانی‌های قبلی، استاد همیشه گفته‌اند که فرهنگ چینی یک فرهنگ نیمه‌خدایی است. امروز شما گفتید که آن یک فرهنگ خدایی به امانت گذاشته شده، است.

استاد: درست است. این موجودات خدایی بودند که به مردم چین فرهنگشان را دادند، و آنچه اینجا متجلی می‌شود فرهنگی است که نیمه انسانی و نیمه خدایی است. دو صحبت متناقض نیستند. فرهنگ چینی یک فرهنگ نیمه خدایی است، اما توسط خدایان به انسان‌ها به امانت گذاشته شد.

مرید: ما تمرین کنندگان دافا در خارج کشور در قبال تزکیه‌کنندگان در چین که می‌خواهند به خارج بیایند باید چه نوع رفتاری داشته باشیم؟ آیا باید آنها را تشویق کنیم در چین بمانند؟

استاد: نمی‌خواهم وقتی که به این موارد می‌رسد هیچ جملات قطعی را بیان کنم. در غیر اینصورت به‌محض اینکه چیزی را امروز بگوئیم، بسیاری از افراد به افراط و تفریط می‌روند. مریدان دافا باید اموری را که قرار است انجام دهند برآورده کنند! فرق نمی‌کند که کجا باشید این حقیقت در جای خود باقی می‌ماند. قسم‌ها و تعهدهایی که زمانی بستید باید انجام داده شوند، و موجوداتی که شما لازم است نجات دهید باید نجات داده شوند!

مرید: بخاطر افزایش تعداد پروژه‌هایی که به فا اعتبار می‌بخشند، تعداد افرادی که حقایق را به دولت آمریکا آشکار می‌سازند، کم شده‌اند، و بسیاری چیزها بسیار کند پیش می‌روند.

استاد: منابع مالی، منابع مادی و منابع انسانی معینی وجود دارد، و بسیاری کارها وجود دارند که ما هنوز لازم است انجام دهیم. حالا که مورد این است، شما لازم است نگاه کنید ببینید کدام چیزها مهم هستند، و مشخص کنید که چگونه آنها را به خوبی توازن بخشید.

بعضی دولت‌ها حقیقتاً به خوبی عمل نکرده‌اند، و این به این خاطر است که فشاری که نیروهای کهن بر دولت‌های کشورهای مختلف گذاشته‌اند بسیار عظیم است. چرا مورد این است؟ زیرا آنها می‌دانند که مریدان دافا مجبورند بسیاری کارها را در اصلاح فای انجام دهند و چنین چالش‌های عظیمی دارند، و هدف، بنا نهادن تقوای عظیم مریدان دافا است. اگر دولت قدرتمندی قرار بود چیزی بگوید، یا تمام دولت‌ها رژیم حزب پلید را اخراج می‌کردند، ح‌ک‌چ اهریمنی یک شبه فرو می‌پاشید و شکنجه و آزار قادر به ادامه دادن نبود. از این جنبه، آیا این محیطی که مریدان دافا را آزمایش می‌کند دیگر وجود می‌داشت؟ و آن وقت آیا آنها هنوز می‌توانستند تزکیه کنند؟ بنابراین سدهایی که نیروهای کهن بر سر راه دولت‌های متفاوت قرار دادند از قوی‌ترین نوع هستند. با نگاهی به موقعیت و وضعیت امروزی، بسیار روشن است که اهریمن‌های پوسیده‌ی حزب پلید دیگر قادر به کنترل هر کدام از دولت‌های متفاوت نیستند. با از بین برده شدن تعداد بسیار زیاد از اهریمن که در حال حاضر در حال رخ دادن است، قدرت اهریمن برای کنترل انسان‌ها به سرعت در حال کم شدن است.

مرید: می‌بینم که بسیاری از افراد مذهبی وجود دارند که واقعاً می‌خواهند تزکیه کنند، اما باورهای مذهبی‌شان برای دریافت و یادگیری حقیقت سد راه آنها است.

استاد: بخاطر مذهب‌شان نیست که آنها از دریافت حقیقت جدا نگه داشته شده‌اند، بلکه بیشتر، آن عوامل از جانب خدایان مداخله‌گر آن مذاهب هستند که تأثیر منفی می‌گذارند. در حال حاضر عوامل در آن نوع، در حال کمتر و کمتر شدن هستند، تعداد بسیار زیادی از آنها از بین برده شده‌اند. تغییرات عظیم به تدریج واقع خواهند شد. فقط صبر کنید و ببینید. (تشویق)

مرید: مریدان دافا از بلژیک، لانگ آیلند نیویورک، منطقه‌ی خلیج سان‌فرانسیسکو، بسان‌کوی فرانسه، تورنتو و ادمونتوی کانادا، آمریکای جنوبی، ایرلند، سریلانکا، و کره جنوبی به استاد درود می‌فرستند!

استاد: از همه متشکرم. (تشویق)

مرید: (این سوال از طرف یک تمرین‌کننده غربی است.) استاد گفتند که در حال حاضر این تزکیه‌ی شخصی نیست (که ما در حال انجام دادن هستیم)، بلکه نجات دادن موجودات ذی‌شعور است. می‌توانم از استاد بپرسم که لطفاً این نکته را در عمق بیشتری توضیح دهند؟

استاد: پیشرفت و بهبود شخصی فرد هنوز هم قبل از هر چیز است، آنچه می‌گفتم این است که هنگام اعتباربخشی به فا، از میان آن چیزهایی که مریدان دافا لازم است انجام دهند، مهم‌ترین چیز نجات دادن موجودات ذی‌شعور است، و این در حال حاضر بسیار مبرم است. مریدان دافا به‌عنوان یک کل، در دوره‌ی تزکیه، چندین مرحله‌ی مختلف را طی کردند. قبل از ۲۰ جولای ۱۹۹۹، مهم‌ترین چیز برای مریدان دافا پیشرفت و رشد در تزکیه‌ی شخصی بود. چیزهای دیگر مهم نبود. در آن موقع، بسیاری از تمرین‌کنندگان احساس می‌کردند که به محض اینکه فا را مطالعه می‌کردند و تمرین‌ها را انجام می‌دادند، مثل یک موشک به‌سرعت به بالا پرتاب می‌شوند، به بالا پرواز می‌کنند. طی کردن سطوحی که می‌پیمودند بسیار سریع بود. خواه در حال نشسته یا ایستاده بودید، موانع را پشت سر می‌گذاشتید - شما موانع را پشت سر می‌گذاشتید حتی درحالی‌که در اطراف قدم می‌زدید یا غذایی می‌خوردید! واقعاً در آن زمان همین‌طور بود، تا جایی که در حال مطالعه‌ی فا بودید شما به بالا هل داده می‌شدید؛ ضروری بود که در زمان معینی مریدان

دافا به مکان‌های درست‌شان هل داده شوند. به آن صورت آنها وقتی زمانش فرا می‌رسد قادر می‌بودند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند. و از آن طریق زمانی که نیروهای کهن شروع به انجام دادن اعمال پلیدشان کردند و وقتی شکنجه و آزار واقعاً شروع شد آنها قادر می‌بودند ایستادگی کنند.

سپس بعد از ۲۰ جولای ۱۹۹۹- یعنی، در دوره‌ی شکنجه و آزار- (مسئله این شد) که آیا شما می‌توانستید یک مرید حقیقی دافا شوید، و در مدت شکنجه و آزار دیده می‌شد که آیا شما طلای حقیقی بودید. [مسئله این بود که] آیا شما می‌توانستید قدم به جلو بگذارید و آیا قادر به ادامه دادن تزکیه تحت فشارهای اهریمن بودید. آیا در طول تاریخ بسیاری از مذاهب با این مواجه نشدند؟ آیا کاملاً مشخص نبود؟ اما بخاطر تمایل و وابستگی به ترس و منزل دادن به وابستگی‌های دیگر، بعضی از افراد نتوانستند، مقاومت کنند. ناگهان شخص این یا آن [بخش از دافا] را مورد علاقه‌اش نمی‌یافت. اما این طور نبود که خود دافا یا چیزهایی که استاد انجام داد باعث شد به مذاقش خوش نیاید، بلکه، این بود که او ترسیده بود و بهانه‌هایی می‌آورد! او جرأت نداشت که گامی به جلو گذارد، جرأت نداشت کتاب‌ها را بخواند، جرأت نداشت در فا تزکیه کند، یا جرأت انجام دادن تمرین‌ها را نداشت.

درحال حاضر، اصلاح فا و مریدان دافا در برابر شکنجه و آزار ایستاده‌اند، و درحالی که به فا اعتبار می‌بخشند ایستادگی کرده‌اند، و با هر گام، به پایان نزدیک‌تر شده‌اند. عناصر پلید تا جایی از بین رفته‌اند که به سختی چیزی باقی مانده، و فشار دیگر به آن زیادی نیست. با نگاه به کل وضعیت، این مسئله که آیا مریدان دافا می‌توانند در دوره‌ی روند بالغ شدن به کمال دست یابند دیگر وجود ندارد. مهم‌ترین چیزی که لازم است درحال حاضر انجام داده شود این است که سر در بیاوریم که چگونه حتی مردم بیشتری از دنیا را نجات دهیم! تمام موجودات را نجات دهیم! این یک تلاش تاریخی و ماندگار برای مریدان دافا شده است.

در مدت این شکنجه و آزار، اهریمن نه تنها مریدان دافا را، بلکه مردم دنیا را نیز شکنجه کرده است! اگر شخص نظرها و افکار غلطی درباره‌ی دافا داشته باشد، به محض آنکه جریان پرقدرت اصلاح فا برسد از بین برده خواهد شد، زیرا آنچه که او با آن مخالفت می‌کند فایبی است که تمامی کیهان آینده را آفریده است. در این حالت، او کجا می‌توانست برود؟ اگر او نخواهد وارد آینده شود، فقط می‌تواند از بین برده شود و از هستی باز ایستد. این دلیل آن است که چرا مهم است مریدان دافا تمامی موجودات را نجات دهند.

مرید: بعد از آنکه بسیاری از تمرین‌کنندگان چینی شنیدند / شما درباره‌ی تزکیه شخصی چه گفتید، آنها توجه زیادی به تزکیه‌ی خودشان نمی‌کنند. آیا باید به این شکل باشد؟ (استاد: این به افراط رفتن است، که البته غلط است.) آیا مگر این طور نیست که همراه با پیشرفت مداوم در تزکیه‌ی شخصی خودمان به‌عنوان پایه، ما باید به نجات موجودات ذی‌شعور بپردازیم؟

استاد: البته که این طور است. باید آن گونه انجام داده شود. شما نمی‌توانید تزکیه‌ی شخصی‌تان را زمین بگذارید. فرق نمی‌کند که چه کاری انجام می‌دهید، اینکه آشکارسازی حقایق باشد یا انجام پروژه‌هایی که مربوط به اعتباربخشی دافا باشد، شما باید اول به خوبی تزکیه کردن خودتان را در بالاترین جایگاه قرار دهید، آن وقت است که چیزهایی که شما انجام می‌دهید می‌تواند مقدس‌تر باشد، زیرا آن گاه است که شما یک مرید دافا هستید، و به عنوان یک مرید درحال انجام اموری هستید که به فا اعتبار می‌بخشد. مردم عادی نیز می‌توانند کارهایی را که مریدان دافا انجام می‌دهند، انجام دهند، ولی آنها نمی‌توانند تقوای عظیم مریدان دافا را داشته باشند. آنها فقط می‌توانند رحمت و تقوا دریافت کنند، و رحمت‌های آینده را جمع‌آوری کنند.

مرید: مریدان دافا در ایرلند به استاد رحیم و بزرگ درود می‌فرستند! در طی این چند سال گذشته، کار اعتباربخشی به فا در ایرلند با مشکلات عظیمی مواجه شده است. بعد از یک سال کار سخت توسط مریدان دافا، ما اساساً با روند اصلاح فا هم‌پا شدیم.

استاد، لطفاً به ما بگویید سختی‌هایی که ما تجربه کردیم آیا بخاطر عدم کوشایی مریدان بود یا بخاطر برنامه‌ریزی‌ها و ترتیبات نیروهای کهن و شکنجه و آزار اهریمنی بود؟

استاد: هر دو عوامل دست اندر کار بودند. در مدت چند سال گذشته، عناصر پلید بسیار زیاد بودند، و در این دوره‌ی زمانی، عناصر پلید کم هستند و مریدان دافا حتی بالغ‌تر شده‌اند. دلایل متعددی وجود داشت. البته، چیزی که از همه مهم‌تر است این است که خودتان را به‌خوبی تزکیه کنید.

سؤالات: مریدان دافا در شهر شین‌بین استان لیائونینگ، منطقه هوآی‌رو پکن، فنگ‌تای بخش پکن، استان ذن‌جیانگ، بخش لیوپینگ شهر جوانگ‌چینگ، لان‌ژو شهر استان گان‌سو، شهر جین‌چانگ، بخش گولانگ، شهر هاربین، شهر چانگ‌ژو، منطقه‌ی تانگ‌ژو، پکن، شهر جیاموسی، بخش نظامی شانگ‌های، منطقه‌ی نظامی ووهان، منطقه‌ی نظامی چنگ‌دو، منطقه‌ی نظامی گوانگ‌ژو، سیستم هوایی چین، استان جیان‌شی، شهر یوان‌چنگ استان شوان‌شی، شهر دان‌جیاکو، شهر لی‌چنگ استان گوانگ‌دونگ، شهر بودینگ استان هی‌بی، شهر ووهان و استان شانگ‌شی به استاد درود می‌فرستند! **(استاد: از همه متشکرم!)** مریدان دافا در شهر فوآنگ در استان آن‌هوئی، شهر ووهان در استان هوئی، شهرهای جین‌چوآ، چائویانگ، شان‌تو و جی‌یانگ در استان گوان‌دونگ، منطقه‌های چائویانگ و های‌دیان در پکن، شهر تیلانگ استان لیائونینگ، بخش چانگ‌دینگ استان فوجیان، شهر چنگ‌دو از استان سی‌چوآن، منطقه‌ی ون‌جیانگ شهر چنگ‌دو، استان هنان، شهرهای هوآنگ‌گنگ، و هنزی از استان شان‌دونگ، منطقه‌ی یان‌لیانگ استان شان‌سی، شهر دان‌جیانگ، جامعه‌ی هنرها و سرگرمی‌ها در پکن، شهر بن‌شی استان لیائونینگ، شهرهای داچنگ، کن‌شان، منطقه‌ی نفتی شنگ‌لی، دونگ‌ینگ، شهر گوانگ‌ژو، شهر بوآدینگ استان هی‌بی، شهر لان‌ژو از استان گان‌سو، استان شین‌جیانگ، شهر آن‌کای، شهر دی‌یانگ، شهر میان‌یانگ، شهر سان‌تای، شهر جانگ‌شا، شهر چنگ‌دی از استان هی‌بی، منطقه‌ی شیانگ‌هی از شهر چی‌فانگ، استان یان‌آن، دانشگاه تسینگ‌هوآ، شهر ماچنگ استان هوئی، انستیتوی تکنولوژی پکن، شهر تیآن، منطقه‌ی شون‌شی از پکن، شهر چونگ‌چینگ، منطقه‌ی یانگ‌پو شانگ‌های، شهر شی‌جیادوانگ استان هی‌بی، و شهر چینگ‌دائو به استاد درود می‌فرستند. **(استاد: از همه متشکرم!)**

[مریدان از] نروژ، آلمان، اتریش، کویزلند استرالیا، سیاتل امریکا، کانادا، شهر ملبورن، ونزوئلا، آرژانتین، پرو، مکزیکو، شیلی، جمهور دومینیک، دانمارک، هلند، اندونزی، جمهوری چک، اسلاوکی، ژاپن، مونترال، سوئد، فنلاند، سان‌دیاگو، اتاوا، کوبا، بوستون، هنگ‌کنگ، ماکائو، استرالیا، بوستون، نیویورک، لائوس، مکزیک جدید، مالزی، نیوزلند، اسرائیل، لوس‌آنجلس، فرانسه، شهر سیسیل ایتالیا، ویتنام، آلبانی نیویورک، هند، و تمام معلمان و شاگردان مدرسه‌ی رقص فی‌یتان درودهای‌شان را به استاد می‌فرستند.

استاد: از همه متشکرم! (تشویق)

مرید: بچه‌ی من شاگرد دبیرستان است. او فا را مطالعه می‌کند، ولی او به کوشایی وقتی که بچه‌تر بود نیست. هر وقت که او به چیزهای بد در جامعه‌ی عادی نزدیک می‌شود، واقعاً نگران می‌شوم.

استاد: بله، وقتی کودکان در سنی بودند که مریدان دافا شخصاً می‌توانستند از آنها مراقبت کنند، همه چیز عالی بود. شما به کودکان یاد دادید فا را حفظ کنند و هر روز تمرین‌ها را انجام دهند. اما به محض آنکه کودکان مدرسه را شروع کردند، امور تغییر کردند. اثری که جامعه بر کودکان دارد واقعاً زیاد است. این مربوط به سقوط اخلاقی همه‌ی جامعه می‌شود. کودکان هیچ راهی برای مقاومت کردن در برابر آن ندارند. به محض آنکه وارد جامعه می‌شوند، وارد خُم رنگ‌رزی بزرگی می‌شوند. اگر شما قادر باشید که کودکان‌تان را به مطالعه‌ی فا و انجام تمرین‌ها همانطور که قبلاً ترغیب می‌کردید، ترغیب کنید، برای‌شان مشکل‌تر است که همراه با

سقوط جامعه سقوط کنند. بسیاری از مریدان جوان دافا به جهت دیگری رفته‌اند و همانطور که رشد کردند بسیار بد شدند، و دلیلش این است.

مرید: استاد، لطفاً درباره‌ی اینکه چگونه می‌توان بین بهتر انجام دادن یک پروژه و شروع کردن پروژه‌های بیشتر تعادل برقرار کرد صحبت کنید.

استاد: آن به این مربوط می‌شود که شما امور را چگونه در میان خودتان هماهنگ می‌کنید. چگونه در آن توازن ایجاد کنید به شما مربوط می‌شود. مقدار انرژی که یک شخص لازم دارد که برای به‌خوبی انجام دادن پروژه بگذارد باید زیاد و قابل توجه باشد. اگر پروژه‌های جدید روی [آنچه در حال حاضر دارید] اضافه شوند قطعاً زمان کم خواهید آورد. معمولاً مورد این است. این چیزها باید چگونه اداره شوند؟ بسیاری از مریدان دافای ما در پروژه‌های متعددی مسئولیت دارند. و امور حقیقتاً بسیار مشکل هستند. استاد درباره‌ی چالش‌های شما باخبر است. در آینده، من به مریدان دافا در سرزمین چین درباره‌ی این سختی‌ها و چالش‌هایی که با آن‌ها روبرو بوده‌اید خواهم گفت، و می‌گذارم آن‌ها درباره‌ی اینکه شما چگونه تحت چنین موقعیت‌ها و وضعیت‌های سختی، به فا اعتبار بخشیده‌اید و شکنجه و آزار آن‌ها را مهار و محدود کرده‌اید بدانند.

مرید: مریدان دافا درحالی‌که دست‌شان کوتاه بود توانستند بسیاری از کارها را بدرستی انجام دهند، اما نتایج بعضی از پروژه‌ها دلخواه نبوده‌اند. احساس می‌کنم که پروژه‌ها از ما متخصص بودن بیشتری را طلب می‌کنند، و فقط آن وقت است که آن‌ها بهتر به پیش می‌روند.

استاد: قطعاً همین‌طور است. [آنچه شما به آن اشاره کردید] درست مثل نمایش سال جدید است. برای چندین سال، مریدان دافا تلاش فراوانی را برای آن بکار بردند، اما اثر محدود بود، زیرا درجه‌ی تخصصی کاملاً مناسب نبود. وقتی که کاملاً تخصصی شد، تماماً داستان متفاوت دیگری شد.

مرید: مجموعه‌ی "فروپاشی فرهنگ ح‌ک‌چ"، منتشر شده توسط دای جین، تجزیه و تحلیل کاملی از فرهنگ حزب فراهم آورد، اما هیچ جواب روشنی را [در ارتباط با مشکل] فراهم نیاورد. آیا جواب توسط مریدان دافا درحالی‌که به فا اعتبار می‌بخشند فراهم خواهد شد؟

استاد: جواب در تمدن پنج هزار ساله‌ی چین خوابیده است. پنج هزار سال فرهنگ چین، فرهنگ حقیقی و بر حق انسان است. آن جواب است.

مرید: استاد، ممکن است لطفاً درباره‌ی اهمیت نمایشگاه هنر حقیقت - نیک‌خواهی - بردباری در اصلاح فا صحبت کنید؟

استاد: شما همگی می‌دانید که چندین چیز اصلی در حال بازی کردن نقشی پیش‌رو در سقوط جامعه‌ی بشری است. یکی اثرهای خلق‌شده‌ی [اخیر] در هنرهای نمایشی است، و دیگری آن اثرهای خلق‌شده‌ی [اخیر] در هنرهای تجسمی است. این‌ها چیزهایی هستند که مستقیماً بیشترین تأثیر را بر مردم می‌گذارند، و چیزی که بزرگترین تأثیر را بر ذهن و هوشیاری و نیز اعضای حسی مردم دارد. آن‌ها مستقیماً تأثیر گذاشته و در استانداردهای اخلاقی مردم تغییراتی ایجاد می‌کنند و در سریع‌ترین و از مستقیم‌ترین طریق انسان‌ها را فاسد می‌کنند. بنابراین، شکل‌هایی که توسط هنر مدرن، فرهنگ مدرن، و هنرهای مدرن نمایشی اتخاذ شده‌اند در حال اجرای نقشی پیش‌رو هستند. بشر شکل‌های حقیقی خلاقیت هنری برحق و درستی که خدایان برای بشر به

امانت گذاشتند را به دور انداخته و بعضی چیزها را بوجود آورد که مدرن هستند و با ماهیت شیطانی کاملاً آغشته شده‌اند، چیزهایی را که خدایان به بشر منتقل کردند نفی کرده و شکل‌های حقیقی خلاقیت هنری امانت داده شده‌ی الهی را بی‌ارزش ساختند.

میریدان دافا می‌دانند که فرهنگ بشر بطور الهی به انسان به امانت گذاشته شد و باور نداشتن به خدایان اساسی‌ترین علت سقوط اخلاقی بشر است. بنابراین میریدان دافا نمی‌توانند امور را با استانداردهای تنزل یافته‌ی انسان‌ها ارزیابی کنند. آنچه میریدان دافا خلق می‌کنند باید به چیزهایی که خدایان به انسان به امانت دادند برگردد. در این مورد، آنچه شما درحال انجام آن هستید به خودی خود تماماً عناصر فاسد شده را فرو می‌نشانند و بازمی‌دارد، و در برگرداندن چیزها به حالت اصلی و اولیه نقش هدایت کننده را ایفا می‌کند. مطمئناً این طور است، پس نمایشگاه هنر، خودش شکنجه و آزار را برملا می‌کند درحالی که هم‌زمان با روش‌هایی که برای خلق کردن کارها استفاده می‌کند مردم را به [حالت و وضع درست] برمی‌گرداند، آنها را قادر می‌سازد به راه انسان‌ها برگردند، و به مردم کمک می‌کنند که چرخشی کنند و برگردند.

وقتی که انسان‌ها روش‌های بوجود آوردن هنر را که یک‌بار خدایان به بشر یاد دادند انکار می‌کنند، بزرگترین مشکل این است که مردم اول طرز فکر و عقاید خودشان درباره‌ی خلاقیت هنری را جلوی رو می‌گذارند و خط راهنمایی را که خدایان به انسان آموزش دادند رها می‌کنند: رسم کردن دقیق چیزها. وقتی هنر آفریده می‌شود، به دقت رسم کردن موضوعات، قبل از هر چیز است، و آن نمی‌تواند تغییر داده شود. علتش این است که این امانت الهی بود و استاندارد است که توسط آن، سطح استادی تکنیکی هنرمند مشخص می‌شود. یک‌بار که تغییر داده شود، چیزها به هم ریخته و فاقد اصول می‌شوند، و این دلیل پشت ظاهر شدن چیزهای مدرن است. وقتی بشر، در خلاقیت‌های هنری‌اش، بالاترین ارزش را از طریق به دقت رسم کردن چیزها بر اصلیت قرار نمی‌دهد، آنچه می‌آفریند فقط خط‌خطی کردن است، نه هنرهای نقاشی. از آنجا که انسان‌ها طبق استاندارد نیستند و معیارهای اخلاقی‌شان فاسد شده است، وقتی آنها عاری از افکار درست هستند، خدایان از آنها دست می‌شویند. آن وقت مسیری [که توسط انسان‌ها اتخاذ شده] حتی بی‌هدف‌تر می‌شود، و خطرناک‌تر.

میرید: هنگام مصاحبه‌ها، بعضی از وکلای مشهور، فعالین حقوق بشر، و مردم عادی در سرزمین چین مرتباً از ما خواستند که درودشان را به استاد برسانیم. آنها فکر می‌کنند که میریدان دافا تنها امید برای آینده‌ی چین هستند.

استاد: گفتن این اشتباه نیست، اما میریدان دافا علاقه‌ای به قدرت سیاسی مردم عادی ندارند و در امور عادی درگیر نیز می‌شوند. ما فقط با شکنجه و آزار مخالفت می‌کنیم و مردم را نجات می‌دهیم. برای انسان‌ها اشتباه نیست که اهمیت زیادی به قدرت سیاسی انسان بدهند، و، چه نوع نهاد سیاسی در آینده حکومت خواهد کرد برای جامعه مهم است. میریدان دافا، تزکیه کننده هستند. از بین بردن ح‌ک‌چ اهریمنی، یگانه و بنیادی‌ترین راه به پایان رساندن شکنجه و آزار است، و برملا کردن جنایات ح‌ک‌چ برای نجات تمام جان‌هایی انجام داده می‌شود که توسط آن مسموم شده‌اند. تمام چیزهای سه‌قلمرو برای تزکیه‌ی میریدان دافا و نجات امروز موجودات فراهم آورده شد، و امور میریدان دافا مهم‌ترین است. وقتی که در آینده فاندی بشری را اصلاح می‌کند، وضعیت جدیدی از امور برای بشر سر بر خواهد آورد. به کلامی دیگر، آنچه در آینده اتفاق می‌افتد به آینده تعلق دارد. پس میریدان دافا فقط باید بر انجام دادن آنچه باید انجام دهند تمرکز کنند. در آینده‌ی نزدیک، خدایان خودشان را بر بشر آشکار می‌کنند، و تمام آنچه که انسان‌ها به آن باور ندارند در جلوی چشمان مردمی که باقی می‌مانند به نمایش گذاشته خواهد شد، و بشر به هر راهی که حقیقتاً قرار است دنبال کند برگشت خواهد کرد.

میرید: میریدان دافا در ماچنگ از استان هوبی واقعاً بسیار دلتنگ استاد هستند. آنها از من خواستند که درودشان را به شما برسانم. (استاد: از میریدان دافا در ماچنگ متشکرم.) دیروز در وبسایت مینگ‌هویی خواندم که میریدان در سرزمین چین پخش رادیو

میگه هویی را دنبال می‌کنند و تمرین‌ها را هم‌زمان در سراسر چین انجام می‌دهند، و نتایج هم بسیار خوب بوده است. مریدان دافا در خارج از چین چه کار باید بکنند؟

استاد: آن حتماً چیز خوبی باید باشد. من هنوز در حال مشاهده‌ی آن هستم و منتظرم ببینم که نهایتاً چه از آب در می‌آید.

مرید: اخیراً پذیرای چند نفر از سرزمین چین بوده‌ام که خودشان را مریدان دافا می‌نامند، و استفاده‌ی نیروهای کهن از کوتاهی‌ها و غفلت‌های این تمرین‌کنندگان را تماشا کرده‌ام. آنها حتی از یک منطقه هستند و ادعا می‌کنند که به آمریکا آمده‌اند که استاد را در اصلاح فایده‌میری کنند. اما در برخوردهایم با آنها، می‌بینم که کارهایی را که مریدان دافا باید انجام دهند واقعاً انجام نمی‌دهند. به‌علاوه‌ی مشغول بودن با اموری مربوط به وضع مهاجرت یا کارهایشان و شبیه آن، اوضاع تزکیه‌شان خوب نیست.

استاد: درست. در حال حاضر نمی‌خواهم چیزی بگویم، و هنوز تمایلی ندارم که هیچ نتیجه‌ای بگیریم، زیرا هر آنچه بگویم برای تزکیه‌شان مشکلاتی فراهم می‌کند. اینکه شخصی بتواند موفق شود توسط اینکه آیا او تزکیه می‌کند تعیین نمی‌شود، بلکه توسط اینکه آن حیات، توانایی نجات پیدا کردن را دارد نیز تعیین می‌شود. هر موردی که باشد، صرف نظر از اینکه آنها چین را ترک کرده‌اند، یا هنوز آنجا هستند، آنها باید خودشان را به‌عنوان مریدان واقعی دافا اداره کنند. در غیر این صورت فرق نمی‌کند که کجا هستند.

مرید: اگرچه اعضای خانواده‌ی من همگی مریدان دافا هستند، زمانی طولانی است که ما هنوز قادر به حل کردن مشکلات معینی نشده‌ایم. توسط آن هم احساس گیجی و هم احساس درد می‌کنم.

استاد: همان‌طور که مریدان دافا مشغول تزکیه می‌شوند، تضادها قطعاً ظاهر می‌شوند. اگر همگی شما نتوانید درون را جستجو کنید، صرف نظر از اینکه آیا به یک خانواده تعلق دارید یا تمرین‌کنندگان معمولی هستند، تضادها به بزرگتر و بزرگتر شدن ادامه خواهند داد، و شما هنوز هم قادر به گذراندن آزمایشات نخواهید شد حتی اگر زمان هم طولانی شود. پس چطور می‌توانید این را حل کنید؟ تمام شما باید درون‌تان را جستجو کنید. اگر یک فرد قادر باشد که در این کار پیش قدم شود، او باعث می‌شود که امور سهل‌تر شوند، اگر همه‌ی شما بتوانید این کار را بکنید، مسائل حل خواهند شد.

چه نوع رفتاری را مریدان دافا مرتباً نسبت به اعضای خانواده‌شان دارند؟ "آنها اعضای خانواده‌ی من هستند، پس وقتی مربوط به چیزهایی می‌شود که برای آنها خوب خواهد بود، آنچه که من می‌گویم باید انجام شود. من امور را سر و سامان می‌دهم چون، بالاخره، من هستم که گوش به زنگ خواسته‌های آنها هستم و به آنها رسیدگی می‌کنم." امور به این‌گونه پیش نمی‌روند. وقتی تزکیه را شروع می‌کنید، شما هم‌تمرین‌کننده هستید، و هر کدام از شما باید به قلمرو بهشتی خودتان برگردید. هر کسی که خوب تزکیه کرده است قادر به برگشت است، و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌جای شخصی دیگر [تزکیه کند]. در میان مردم عادی، ممکن است وقتی کسی یک مقام قدرتمندی دارد، بتواند برای خانواده‌اش نیز منافی را به‌همراه آورد. آن می‌تواند اتفاق بیفتد، زیرا آنها امور مردم عادی هستند. اما در مورد اموری که فراتر از امور انسان عادی است به‌کار نمی‌آید. هر کسی تزکیه کند نفع می‌برد، و اگر شخص تزکیه نکند او نفعی نمی‌برد - هیچ‌کس نمی‌تواند به‌جای شخصی دیگر تزکیه کند. وقتی این‌گونه است، شما باید مشکلات و تضادهایی را که بین شما سر می‌زند جدی بگیرید. شما نمی‌توانید مثل مردم عادی رفتار کنید که هر کاری دل‌شان می‌خواهد بکنند، می‌کنند. اگر شما اعضای خانواده‌تان را واقعاً به‌عنوان مریدان دافا و هم‌تزکیه‌کنندگان در نظر بگیرید وقتی که مربوط به اداره کردن امور مربوط به تزکیه می‌شود، فکر می‌کنم قطعاً قادر به حل کردن مشکلات خواهید شد.

مرید: مریدان دافا در سرزمین چین با عکس‌ها و تصاویر بودا شکیمونی، بودی‌ساتوا گوان‌یین، و مثل آنها، طلسم‌های بسیاری ساخته‌اند. بعد از آنکه استاد مقاله‌ی "تمامی خدایان مداخله‌گر در سه قلمرو را که در مزاحمت و مداخله در اصلاح فا دست دارند کاملاً نابود کنید،" را چاپ کردند، بعضی از مریدان نتیجه گرفتند که بکارگیری تصاویر خدایان بر روی طلسم‌ها مناسب نیست. استاد، در این مورد ما را راهنمایی کنید.

استاد: مسلم است که آن نامناسب است. علتی که قبلاً آن‌ها برای انسان‌ها فایده داشت این بود که استاد باعث می‌شد که آنها فایده داشته باشند، بر مبنای این واقعیت که شما در حال نجات دادن مردم بودید. اما آن کار مناسبی نبود که انجام دهید. مریدان دافا باید به دافا اعتبار بخشند، پس چطور می‌توانید بروید و خدایان دیگر را اعتبار بخشید؟ وقتی به این موضوع می‌رسد، آن وقت، آن افراد توسط چه کسانی نجات داده می‌شوند؟ آیا مشکل بزرگی نیست؟ آیا این کشاندن مردم به باور کردن در خدایانی نیست که خودشان هنوز لازم است موضع‌شان را در برابر دافا در طی اصلاح فا مشخص کنند؟ اینکه [آن جاودان‌ها] بتوانند باقی بمانند یا نه، هنوز به اعمال‌شان بستگی دارد. آن طلسم‌ها خودشان هیچ تأثیر ندارند- استاد است که آنها را به کار می‌اندازد. اعتبار بخشیدن به فا کار مریدان دافا است، و قطعاً نه کار آن جاودان‌ها. شما باید در این مورد روشن باشید.

مرید: دیده‌ام که اخیراً بسیاری از هم‌تذکیه‌کنندگان امتحاناتی را که مربوط به احساسات (چینگ) است از سر می‌گذرانند.

استاد: بله، حقیقت دارد. ح‌کچ اهریمنی می‌خواهد جامعه‌ی بشری را به نابودی بکشاند، و این روشی است که به کار می‌برد. اختلاس، فساد، و چنین چیزهایی زیاد به حساب نمی‌آیند. بگذارید از زاویه‌ی دیگری به آن نگاه کنیم. مثلاً بگوییم که فردی در اختلاس و تقلب درگیر شده است، و پولی که اختلاس می‌کند به ح‌کچ تعلق دارد. اگر ح‌کچ به دلیل فساد او ضعیف شود، پس او در واقع کار خوبی انجام داده است. (حضرار می‌خندند، کف می‌زنند) پس آن مسئله‌ای نیست. بزرگترین مسئله این است که ح‌کچ در حال از بین بردن اخلاقیات انسانی است. ح‌کچ می‌داند که فالون‌گونگ، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری را آموزش می‌دهد و به مردم یاد می‌دهد که خوب باشند، پس آن در عوض به مردم آموزش می‌دهد که بد باشند، مخصوصاً از لحاظ روابط بین اعضای جنس مخالف. آیا عمق تباهی‌ای را که جامعه‌ی چینی در آن غرق شده است می‌دانید؟ به‌طور وحشتناکی فاسد شده است- جامعه‌ای که بطور محض فاسد شده است. امروزه به سختی یک دختر جوان پاک، یک دختر بی‌گناه، یافت می‌شود. چرا این قدر بد شده است؟ آیا این طور نیست که [ح‌کچ] فقط می‌خواهد مردم را از بین ببرد؟ آیا مریدان دافا نمی‌خواهند تذکیه کنند که به خود اصلی‌شان برگردند؟ چرا وقتی به این مربوط می‌شود مراقب خودتان نیستید؟ آیا می‌خواهید همراه با جامعه فاسد شوید، همراه با ح‌کچ اهریمنی؟ آیا این موضوع مهم و وخیمی نیست؟ با نگاه از این نظر، آیا مردم سرزمین چین هنوز در مقام و جایگاه یک انسان هستند؟ آیا این جدی نیست؟ مریدان دافا باید از آن جلوگیری کنند و به نزول و انحطاط دنیا پایان دهند! این درخصوص جلوگیری از نزول بشر است، پس چرا این طور است که خود شما برای یک چنین زمان طولانی هنوز نتوانسته‌اید که از این بیرون بیایید؟ قطعاً باید به این مسئله توجه کنید!

مریدان دافا نباید درخصوص این مورد، تحت هر شرایطی، دیگر مسائلی داشته باشند. نمی‌خواهم ببینم که شما این نوع اشتباهات را می‌کنید. شاگردان پسر و دختر در گروه نمایش‌های هنری مجاز نیستند سهل‌انگارانه معاشرت داشته و خوش‌وبش کنند. همچنین، چون آنها خیلی جوان هستند، برای آن‌ها قرار و مدار گذاشتن شدیداً ممنوع است. دیگر مریدان دافا لازم است به همین موضوعات توجه کنند. اگر این نوع مسائل در آکادمی ما رخ دهد، بدون هیچ استثنایی هر کسی که درگیر آن است به خانه فرستاده خواهد شد، مطمئن باشید. اگر نتوانید خودتان را به‌خوبی اداره کنید، چطور می‌توانید موجودات ذی‌شعور را نجات دهید؟ وقتی افکاری که تصور می‌کنید ناشایست و نادرست هستند، چطور می‌توانید آن کار را به‌خوبی انجام دهید؟ پس، مثل همکاری با اهریمن است.

مرید: کمتر از یک سال است که فا را کسب کرده‌ام. پیوسته به شدت تلاش کرده‌ام تا سه کار را به خوبی انجام دهم و با جریان عظیم اصلاح فا هم‌پا شوم. برای مریدانی که فقط اخیراً فا را کسب کرده‌اند چه نوع پیشنهادی دارید؟

استاد: این سؤال خوبی است. برای آنهایی که تازه فا را کسب کرده‌اند، می‌گویم که شما بسیار خوشبخت هستید. آیا می‌دانید که به چه نوع گروهی پیوسته‌اید؟ این تزکیه کنندگان بعد از گذر از سخت‌ترین آزمایشات، امروز به اینجا رسیده‌اند. البته، این شکنجه و آزار هنوز به پایان نرسیده است، اما اهریمن دیگر آن قدر زیاد یا وحشی نیست، و فشار آن قدرها عظیم نیست. اما، این طور نیست که چون شما فقط تازگی وارد [دافا] شده‌اید ملاک‌های تزکیه برای شما پایین آورده خواهد شد. پس در تزکیه برای انجام سه کاری که مریدان دافا باید به خوبی انجام دهند شما باید تلاش زیادی بکنید، و هم‌زمان موجودات ذی‌شعور را نجات دهید و وظایفی را که مریدان دافا باید انجام دهند، برآورده سازید. برای به خوبی انجام دادن این امور، شما باید فا را به خوبی مطالعه کنید. بیشترین همت‌تان را بر خواندن دافا بگذارید، و شما قادر به هم‌پایی با روند اصلاح فا خواهید شد و شما با رفتاری تحسین‌انگیز، یک مرید دافا می‌شوید که در خور آن نام می‌باشد و مرید دوره‌ی اصلاح فا است.

برای امروز تمام شد. (تشویق)

استاد از دیدن همه‌ی شما واقعاً خوشحال است (تشویق گرم)، مخصوصاً امروز. (تشویق) مریدان دافایی که در طی این شکنجه و آزار موفق بیرون آمده‌اند: شما به راستی برجسته‌اید. (تشویق) شما تمامی افتخار و شکوهی که مریدان دافا در آینده قرار است داشته باشند را دریافت خواهید کرد. (تشویق) شما از دوره‌ی زمانی سخت و طاقت‌فرسایی گذر کرده‌اید. فکر می‌کنم که مریدان دافا باید، در زمان محدودی که در پایان کار باقی مانده است، مأموریت‌های تاریخی‌شان را، حتی بهتر و باشکوه‌تر انجام دهند! (تشویق)

[1] یادداشت مترجم: به معنی "آن را از بین ببر" یا "آن از بین برده می‌شود".

[2] یادداشت مترجم: در خصوص این موضوع، اینجا این کلمه به احساس ظریف و مبهمی که از طریق شکل بیرونی و ظاهری منتقل می‌شود اشاره می‌کند.